

پناهندگان ایرانی

در خطر



بولتن

زمستان ۹۷ و بهار ۹۸ ، دوره ۴

«پناهگاه ناامن» :

وضعیت پناهندگان ایرانی در کردستان عراق (بخش دوم)

۳- پناهندگی واهی

طبق قوانین بین‌المللی، پناهندگی امن حق بنیانی پناهندگان است. اساس و پایه پناهندگی وجود امنیت جانی در کشوری است که در آن پناهندگی داده می‌شود. پناهندگان همچنین باید از حق عدم بازگرداندن اجباری برخوردار باشند. بدین معنی که نباید به زور آنها را به مکانهایی بازگرداند که در آنجا جان و آزادی‌شان تهدید می‌شود. احترام به حقوق بشر پایه‌ای پناهندگان نیز از ملزومات پناهندگی است.

در هر سرزمینی، مسئولیت حمایت از پناهندگان بر عهده قدرت حاکم آن کشور است. اغلب دولتها با پیوستن به میثاق ۱۹۵۱ ملل متحد در امور پناهندگان ("میثاق") و قرارداد ۱۹۶۷ ("قرارداد") خود را موظف به حمایت از پناهندگان کرده‌اند.

عراق، اما، چون به میثاق و پروتوکل ملحق نشده است، هیچ

در بخش نخست این گزارش شرایط مخاطره‌آمیز پناهندگان کرد ایرانی در شمال عراق را توصیف کردیم. بی‌ثباتی اوضاع و اغتشاشات عمومی حاکم بر این منطقه، سیاستهای داخلی کردهای منطقه، تهاجمات خارجی، و فعالیتهای روزافزون عوامل ایران همگی چشم‌انداز تاریکی را برای پناهندگان ایرانی در این منطقه بوجود آورده‌اند.

در این بخش از گزارش، کمک و حمایت ناچیزی که از طریق فعالیتهای سازمان کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان [از این پس "کمیساریای عالی"] در شمال عراق در دسترس این پناهندگان گذاشته می‌شود را تشریح می‌کنیم.

در بخش سوم گزارش به رفتارهای غیرمجاز و غیرعادلانه‌ای می‌پردازیم که پناهندگان کرد ایرانی شمال عراق پس از فرار به کشور همسایه ترکیه با آن مواجه می‌شوند.

در صفحات دیگر:

- ۶..... کمیساریای عالی در ترکیه به سیاست آی‌ام ادامه می‌دهد
- ۸..... اخراج پناجویان ایرانی از هلند، آیا بحران به پایان رسیده؟
- ۹..... مرگ مشکوک ایرانی بازگردانده شده می‌بایست بقیه اخراج‌ها را متوقف کند
- ۱۳..... کمیسیون حقوق بشر اروپا: دادخواست م.آ.ر. علیه پادشاهی انگلستان به تفاهم دوستانه می‌انجامد
- ۱۴..... کمیته ضد شکنجه ملل متحد به آزمونهای سخت‌گیرانه حقیقت پناجویان اعتراض می‌کند
- ۱۸..... گزارشات جدید ترکیه را "کشور سوم ناامن" منصوب می‌کنند

Iranian Refugees' Alliance Inc.
Cooper Station POBox 316
NY NY 10276-0316
Phone/Fax: 212 260 7460
email: irainc@irainc.org
URL: <http://www.irainc.org>

► نوع تعهد قراردادی نسبت به پناهندگان ندارد. در نتیجه این امر، شرایط در عراق همواره برای پناهندگان ایرانی مخاطره‌آمیز بوده است.

از آنجا که عراق عضو میثاق نیست، دفتر کمیساری عالی نقش فعالی در حمایت از پناهندگان در عراق بازی می‌کند. ۱. کمک‌های کمیساری عالی به پناهندگان کُرد ایرانی در عراق عمدتاً شامل دو گروه می‌شود. یک گروه، که تعداد آنها ۴۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود، پناهندگانی هستند که در مناطق آربیل و سلیمانیه در شمال عراق بطور پراکنده زندگی می‌کنند. گروه دوم شامل ۲۱۰۰۰ پناهنده کُرد ایرانی است که در آردوگاه الطاش در غرب بغداد بسر می‌برند. ۲. کمک‌هایی که به این پناهندگان می‌شود شامل موارد زیر است: برآوردن ابتدایی‌ترین نیازها و نگهداری از آنها، اقدام برای بازگرداندن داوطلبانه پناهندگان به ایران، و برای آنان که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به ایران بازگردند، تلاش - غالباً ناموفق - برای اسکان آنها در کشوری دیگر.^۳

کمیساری عالی در اجرای برنامه‌های خود در عراق با

مشکلات و مسائل بسیاری مواجه است. شمار بسیار بزرگ پناهندگان؛^۴ تحریم اقتصادی سازمان ملل متحد علیه عراق، تورم و آشفتگی اقتصادی و اغتشاشات سیاسی داخلی و خارجی، همگی فعالیتهای این سازمان را مشکل کرده‌اند. گرچه این مشکلات در سراسر این کشور عواقب مُخَرَب و دردناکی داشته‌اند، ولی تأثیرات مخرب آن بر پناهندگان بیش از بقیه اقبال بوده است. همانطور که یک مأمور کمیساری عالی متذکر شده، شمال عراق "یکی از بدترین مکان‌هایی است که کمیساری پناهندگان هم اکنون در آن فعالیت دارد."^۵ اهمیت این گفته وقتی روشن‌تر می‌شود که در نظر بگیریم کمیساری عالی در فقیرترین و سخت‌ترین مناطق جنگ‌زده و پر آشوب دنیا فعالیت می‌کند.

نظری اجمالی به کمک‌های کمیساری عالی به پناهندگان کُرد ایرانی در عراق نشان می‌دهد که میزان کمک به شدت ناکافی است. پناهندگانی که در مناطق تحت کنترل دولت مرکزی زندگی می‌کنند، بیشتر از یک دهه است در شرایطی که دائماً وخیم‌تر می‌شود در رنج و سختی بسر

می‌برند. در شمال عراق نیز پناهندگان نه تنها با شرایط مشابه‌ای مواجه هستند بلکه عدم امنیت زندگی سخت آنها را با ترس و وحشت دائمی نیز آمیخته است.

تأمین و نگهداری

گزارش مستقلی از میزان کمک به پناهندگان در شمال عراق در دست نیست. اما اطلاعات رسیده از پناهندگان ایرانی گویای این است که فقط برخی از پناهندگان سهمیه غذا از کمیساری عالی دریافت می‌کنند. این سهمیه نیز که در ماه فقط ۹ کیلوگرم آرد، ۹۰۰ گرم روغن، ۳۰۰ گرم شکر، و ۵۰۰ گرم عدس است، حتی نیمی از کالری‌های لازم انسان را هم تأمین نمی‌کند. کلیه مواد دیگر باید از بازار آزاد خریداری شوند که قیمت‌ها در آن چندین هزار برابر گران‌تر از قیمت‌های سال ۱۹۹۰ است.^۶ امکان کارایی همچنان حتی برای افراد بومی نیز بسیار محدود است.^۷ و شرایط تغذیه همچنان بحرانی باقی مانده ◀

وضعیت آردوگاه‌های پناهندگی در شمال عراق

زندگی در آردوگاه‌های پناهندگی شمال عراق از زندگی در مناطق شهری نیز نامساعدتر و ناآمن‌تر است.

در تابستان ۱۹۹۷، گروهی از فعالین حقوق بشر چند کشور اروپایی از دو آردوگاه پناهندگی دیگر بنام‌های، نینوا و سُمیل، دیدن کردند. این دو آردوگاه در منطقه تحت کنترل حزب دموکرات کردستان عراق قرار دارد و ساکنین آن پناهندگان کُرد ترکیه هستند. گزارش تهیه شده از سوی این گروه، آردوگاه نینوا را بشکل زندانی که توسط اداره کمیساری عالی اداره می‌شود توصیف می‌کند. بنا به گفته کمیته آردوگاه، بیشتر از ۴۰ کودک بخاطر بیماری‌های عفونی جان خود را از دست داده‌اند. در این گزارش آمده است که مالاریا، تیفوس و اسهال در میان پناهندگان بشدت شیوع دارد در حالیکه در آردوگاه دکتر دارو وجود ندارد و مراجعه پناهندگان به بیمارستان ذُهورک هم ممنوع است. سه چهارم ساکنین آردوگاه بخاطر سهمیه غذای ناچیز کمیساری عالی و آلودگی آب آشامیدنی از سوتغذیه رنج می‌برند. نیروهای حزب دموکرات آن مقدار کمی دارایی که پناهندگان با خود نکه داشته بودند را به سرقت برده‌اند. پناهندگانی که قصد ترک آردوگاه را داشته‌اند هدف تیراندازی نیروهای مسلح این حزب قرار گرفته‌اند و یا بدون هیچ رذپایی ناپدید شده‌اند. درباره آردوگاه دیگر این گزارش می‌گوید که تیفوس در آن همه گیر شده است و تقریباً تمام کودکان دچار سوتغذیه هستند. دکتر برای مداوای بیماران وجود ندارد و بیمارستان از مداوای پناهندگان خودداری می‌کند. هر کسی که قصد ترک آردوگاه را بکند و به دام نیروهای حزب دموکرات بیافتد با خطر زندان و شکنجه مواجه خواهد شد.

منبع: پناهندگان آردوگاه نینوا، صلیب سرخ کردستان، ۱۹۹۷، آلمان. ■

بنا بر گزارشات رسیده از پناهندگانی که در سال ۱۹۹۷ چندین ماه را در دو آردوگاه پناهندگی شمال عراق بسر برده‌اند، آردوگاه بالقُوز (خانواده‌ها) و زاوُته (مجردین) توسط نیروهای حزب دموکرات کردستان عراق و کمیساری عالی اداره می‌شوند. ساکنین این آردوگاه‌ها از کمبود غذا، آب، وسیله گرمایی، بهداشت، دارو و دکتر رنج می‌برند. اغلب ساکنین این آردوگاه‌ها را اعضای حزب شیعه "شورای عالی انقلاب اسلامی عراق" تشکیل می‌دهند. این حزب از سوی دولت ایران کنترل می‌شود. در نتیجه، پناهندگان ایرانی ساکن این آردوگاه‌ها بطور دائم از ترون، مسموم و یا ریوده شدن وحشت دارند. از آردوگاه زاوُته این خبر رسیده است که برخی از اعضای آن مجرمین عادی فراری از مناطق داخلی عراق هستند. این افراد نیز مشکوک به مزدوری برای دولت ایران هستند. ارتش ترکیه مرتباً این مناطق را مورد حمله نظامی قرار داده و بسیاری از افراد این منطقه را زخمی کرده یا کشته است. اینطور گزارش شده که در بهار ۱۹۹۷، نظامیان ترکیه پایگاهی درست در مجاورت آردوگاه زاوُته برقرار کرده‌اند که این موضوع پناهندگان را مستقیماً در معرض درگیری‌های نظامیان و نیروهای مبارز کُرد ترکیه قرار می‌دهد.

منبع: سه پناهنده که در ماه مارس ۱۹۹۷ از ترکیه بزور به شمال عراق بازگردانده شدند و از ۶ تا ۱۲ ماه در این آردوگاه‌ها زندگی کردند تا بالاخره به کمک دفتر کمیساری عالی در ترکیه در کشور سومی اسکان داده شدند.

► است. ۸. آینده ناروشن نیز اثرات مخرب خود را بر پناهندگان بجا گذاشته است.

تعداد کمی از کُردهای ایرانی در اردوگاههای پناهندگی که توسط مقامات کُردهای عراقی و کمیساریای عالی اداره می‌شوند زندگی می‌کنند. شرایط وحشتناکی که از داخل برخی از این اردوگاهها گزارش شده نشانگر این است که هیچ آلترناتیوی برای بهبود زندگی پناهندگان در شمال عراق وجود ندارد. [به صفحه قبل مراجعه کنید]

گزارشات رسیده از اردوگاه آلتاش که خارج از کردستان عراق واقع شده و توسط دولت بغداد کنترل می‌شود، گویای وخامت شرایط زندگی پناهندگان در هر نقطه‌ای از عراق است. به گزارش خبرگزاری که در سال ۱۹۹۶ از این اردوگاه دیدار نمود پناهندگان در شرایط اسفباری زاغه‌نشین می‌کنند.^۹ در تابستان ۱۹۹۵، نماینده کمیساریای عالی در عراق، عبدالله سعید، به خبرگزاری رویتر گفت که: «با تمام شدن زخیره‌های غذایی سازمان ملل در عراق، کمیساریای عالی دیگر قادر نیست به آنها [پناهندگان آلتاش] تمام جیره غذایی‌شان را بدهد.» نماینده سازمان جهانی غذا در عراق، لوجیو رامیرز، اضافه کرد که «شرایط پناهندگان بدتر شده. بخاطر کمبود ذخایر غذایی، مایحتاج کافی به آنها نمی‌رسد.»^{۱۰} در آلتاش پناهندگان اجازه کار نیز ندارند و خروج آنها از اردوگاه و رفت و آمد آنها در خارج از اردوگاه نیز شدیداً محدود است.^{۱۱}

اوضاع آینده برای این پناهندگان آنچنان ناامید کننده است که در ژوئن ۱۹۹۶، تعداد ۱۵۰ نفر از پناهندگان آلتاش که اغلب زن و کودک بودند و «دیگر تحمل آن شرایط را نداشتند» به منطقه تحت کنترل کُردها در شمال عراق فرار کردند زیرا که «دیگر بسختی غذا یا آب یا کمک بهداشتی در اردوگاه بدست می‌آمد.» روستائیان کُرده منطقه به برخی از آنها خانه‌های درب و داغانی دادند ولی بیشتر پناهندگان مجبور شدند در مرغداری‌های متروکه پناه گیرند و از سازمانهای امداد درخواست کمک کنند.^{۱۲}

بازگشت به ایران

کلاً هیچ فعالیتی در زمینه بازگشت پناهندگان به ایران گزارش نشده است. اما بنا به گفته پناهندگانی که به دفتر کمیساریای عالی در شمال عراق مراجعه کرده‌اند مأمورین این دفتر پناهندگان را به بازگشت داوطلبانه به ایران تشویق می‌کنند. تخمین زده شده است که از سال ۱۹۹۵ حدود ۱۰۰۰۰ پناهنده اردوگاه آلتاش برای بازگشت داوطلبانه به ایران ثبت نام کرده‌اند.^{۱۳} اما تا امروز بخاطر مشکلات

دوجانبه هیچ پیشرفتی در این امر حاصل نشده است.^{۱۴} صرف نظر از درجه موفقیت این اقدامات، نگران کننده‌تر از هر چیزی این است که شرایط آسفبار و ناامید کننده‌ای که پناهندگان بیشتر از یک دهه است با آن مواجه‌اند، کلاً داوطلبانه بودن درخواست آنها را زیر سوال می‌برد.

اسکان یابی در کشور سوم

با در نظر گرفتن شرایط غیرقابل قبول پناهندگی در عراق، اسکان یابی در کشور سوم همواره اساسی‌ترین وسیله حفاظت از پناهندگان ایرانی در عراق بوده است. برای پناهندگان شمال عراق، اسکان یابی در کشور سوم تنها وسیله مصون نگه داشتن آنها از تهدیدات جانی فوری و درازمدت نیز بوده است. همانطور که خود کمیساریای عالی متذکر شده است، در تئوری، هر پناهنده‌ای که در آلتاش یا شمال عراق بسمی برود و «نی‌تواند یابی خواهد به ایران بازگردد» واجد شرایط اسکان یابی در کشور سوم است. ولی در عمل بخاطر کمبود امکانات اسکان دهی، کم بها دادن به اسکان یابی از سوی خود کمیساریای عالی، و نیز مشکلات موجود در امور اداری و اجرایی این امر، این تنها راه حل پایدار برای حدوداً ۲۵۰،۰۰۰ پناهنده واجد شرایط، غیرعملی شده است.

تعداد بسیار محدودی از کشورها سهمیه سالانه‌ای برای پذیرش پناهندگان منظور می‌کنند. از این سهمیه‌های سالانه دولتی هم فقط تعداد محدودی در اختیار کمیساریای عالی قرار می‌گیرد زیرا که درصد مهمی از آنها جدا از کمیساریای عالی برای گروه‌هایی که بطور ویژه مورد توجه دولتها هستند نگه داشته می‌شوند. بعلاوه از آن تعداد محدودی هم که در اختیار کمیساریای عالی قرار می‌گیرد، بسیاری از دولتها ترجیح می‌دهند فقط پناهندگانی را بپذیرند که توانایی ادغام سریع در کشورشان را دارا هستند. در چند سال گذشته درحالی که نیاز به اسکان دهی

کمیساریای عالی فقط ۱٪ تا ۲٪ از کل جمعیت پناهندگان دنیا برآورد شده است، فقط ۳۰٪ تا ۴۰٪ از این تعداد ناچیز عملاً اسکان داده شده‌اند.

علت دیگر، وجود عواملی در درون خود کمیساریای عالی است که به اسکان یابی پناهندگان بعنوان یک راه حل مشروع، کم بهای می‌دهند. در سال ۱۹۹۵، یک مشاور کمیساریای عالی چنین اظهار نظر کرد که: «نیروهای قدرتمندی در ژنو [مرکزیت کمیساریا] و چندین کشور اروپایی وجود دارند که مایلند برنامه اسکان دهی پناهندگان به زبانه‌دانی تاریخ سپرده شود.»^{۱۵}

در میان عللی که بویژه توانایی کمیساریای عالی را برای اسکان دادن پناهندگان در عراق مهسود می‌کند اینها هستند: هیچکدام از کشورهای اصلی اسکان دهنده در عراق سفارت‌خانه ندارند، فرودگاه بین‌المللی بغداد بسته است، و موانع بسیاری برای اخذ اجازه خروج از عراق برای پناهندگان وجود دارند. همچنین تا سال ۱۹۹۶، هیئت‌های پناهنده‌گزینی از کشورهای اسکان دهنده حتی قادر نبودند که به عراق مسافرت کنند. در نتیجه‌ی این امر، مأمورین کمیساریای عالی ناچار پرونده‌های پناهندگان را شخصاً به عمان در کشور اردن حمل می‌کردند تا طبق توافقات انجام شده با برخی از کشورها در آنجا به پرونده‌ها رسیدگی شود.^{۱۶}

اسکان دهی پناهندگان از شمال عراق از این هم پیچیده‌تر است. پناهندگانی که اخیراً اسکان داده شده‌اند بایستی اول به مناطق تحت کنترل دولت منتقل می‌شدند. سپس باید برای آنها اجازه‌های مخصوصی گرفته می‌شد تا از بغداد به اردن منتقل شوند. تدارکات بیشتری نیز باید از آن پس انجام می‌گرفت تا آنها را از اردن به کشور اسکان دهنده ببرند. علاوه بر همه اینها جنگ داخلی بین کُردهای منطقه همچنان آرامش و نظم اوضاع را تهدید می‌کند.

همانطور که جدول زیر نشان می‌دهد، روی هم رفته، تا سال ۱۹۹۶، اسکان دهی پناهندگان ایرانی از عراق بسیار ناچیز بوده است. در سال ۱۹۹۶، برای اولین بار <

اسکان دهی پناهندگان کُردهای ایرانی از عراق

اسکان یافتگان توسط کمیساریای عالی	تخمین اول سال واقعی	داوطلبین بازگشت به ایران	کُل پناهندگان کُردهای ایرانی در عراق (شمال عراق)	سال
-	-	-	۲۸,۵۰۰ (۶,۰۰۰)	۱۹۹۳
۲۸۰	۲,۰۰۰	-	۲۶,۵۰۰ (۴,۰۰۰)	۱۹۹۴
۲۵۵	۱,۴۶۰	۱۰,۰۰۰	۲۷,۰۰۰ (۴,۰۰۰)	۱۹۹۵
۵۱۴	۲,۴۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۳,۷۶۲ (۳,۶۸۲)	۱۹۹۶
۱,۶۱۶	-	۱۰,۰۰۰	۲۴,۴۸۷ (۳,۷۰۰)	۱۹۹۷

منابع: کمیساریای عالی و کمیته ایالات متحده برای پناهندگان

اسکان‌دهی به موقع در کشور سوم: مسئله مرگ و زندگی است

■ سلیم کریم نژاد، عضو سابق ح.د.ک.ا. در سال ۱۹۹۶ برای درخواست اسکان‌یابی در کشور سوم به دفتر آریل کمیساریای عالی مراجعه می‌کند. در ماه مارس ۱۹۹۷، در حالی که منتظر بررسی درخواستش از کمیساریای عالی بود، جلوی در خانه‌اش در روستایی در نزدیکی آریل هدف گلوله قرار می‌گیرد. همکاران و دوستان او که زودتر به ترکیه فرار کرده بودند می‌گویند که حتی پس از استعفا از حزب نیز عوامل ایران جان او را تهدید کرده بودند. او گوینده رادیوی ح.د.ک.ا. بود.

■ وقتی بالاخره محمد حکیم زاده و خانواده‌اش در اواخر سال ۱۹۹۶ در کشور سوم اسکان می‌یابند، کاوه، پسر ۱۶ ساله آنها همراهشان نبود. طبق گزارشات عوامل دولت ایران در همکاری با نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی کردستان عراق او را در ماه اوت ۱۹۹۶ پس از شکنجه وحشتناک به قتل رساندند. دوستان کاوه معتقدند که آقای حکیم زاده که سابقاً عضو ح.د.ک.ا. بوده است، در سال ۱۹۹۱ در دفتر کمیساریای عالی ثبت نام می‌کند. ولی تا قبل از ترور کاوه، کمیساریای عالی به درخواستهای مکرر او برای اسکان یافتن در کشور سوم جواب منفی می‌دهد.

■ رحمان شعبانی و حاجی عبدالله محمدی، دو پناهنده دیگر در ژانویه ۱۹۹۶ در سلیمانیه ترور می‌شوند. گزارش شده است که کمیساریای عالی در چند سال قبل از به قتل رسیدنشان اعلام کرده بود که آنها واجد شرایط اسکان‌یابی نیستند. بازماندگان خانواده رحمان شعبانی بالاخره در سال ۱۹۹۷ در کشور سوم اسکان داده می‌شوند. ولی بازماندگان خانواده آقای محمدی هنوز در شمال عراق منتظر انتقال به کشور سوم هستند.

البته این فهرست به اینجا ختم نمی‌شود، گزارش شده است که در چند سال گذشته بیش از ۲۰۰ تن از مخالفین دولت ایران در شمال عراق ناپدید یا کشته و یا به زور به ایران بازگردانده شده‌اند. درست است که تعدادی از آنها فعالین سازمانهای سیاسی بوده که هیچگاه در دفتر کمیساریای عالی ثبت نام نکرده و رسماً بعنوان پناهنده شناخته نشده بودند ولی جای هیچ شکئی نیست که تعداد قابل توجهی از آنها پناهندگانی بودند که در کمیساریای عالی ثبت نام و درخواست اسکان در کشور سوم کرده بودند. ■

نظر دفاتر شمال عراق کمیساریای عالی پناهندگان درباره پناهندگان زیر این بوده است که آنها برای اسکان یافتن در کشور سوم "اولویت" ندارند و یا آنطور که گفته می‌شود، "موارد امنیتی نیستند". سرنوشت دردناک این پناهندگان روی نتیجه‌گیری‌های کمیساریای عالی نسبت به موقعیت امنیتی پناهندگان ایرانی در شمال عراق خط بطلان می‌کشد.

■ جسد ابراهیم گاگلی پس از اینکه چند روز از ناپدید شدنش گذشته بود، در ۱۳ اوت ۱۹۹۷ در نزدیکی پنجوین کشف می‌شود. [ح.د.ک.ا.، کوردستان، شماره ۲۴۸، اوت ۱۹۹۷، ص ۱۱]

■ جسد منصور محمدپور در ۴ اکتبر ۱۹۹۷ بین دُکان و سلیمانیه کشف می‌شود. عوامل جمهوری اسلامی او را به هنگامی که از سلیمانیه به خانه‌اش در کوی سنجاق برمی‌گشت ربوده بودند. در دو قسمت از بدنش جای گلوله به چشم می‌خورد و پاها دستها و گردنش را شکسته بودند. [ح.د.ک.ا.، کوردستان، شماره ۲۵۰، اکتبر ۱۹۹۷، ص ۱۱]

■ حسین زینتی در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۷ در سلیمانیه هدف تیراندازی قرار گرفته و کشته می‌شود. [ح.د.ک.ا.، کوردستان، شماره ۲۵۱، نوامبر ۱۹۹۷، ص ۱۵]

■ پناهنده دیگری بنام خالد عباسی در ۶ ژوئن ۱۹۹۷ در بازاری بنام هوزه وشکه در سلیمانیه جلوی چشم صدها تن از ساکنین سلیمانیه هدف گلوله قرار گرفته و کشته می‌شود. [ح.د.ک.ا.، کوردستان، شماره ۲۴۶، ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۷]

■ احمد شریفی، پناهنده دیگری در شمال عراق پس از آنکه در سال ۱۹۹۷ در خانه‌اش توسط نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی کردستان عراق دستگیر می‌شود "ناپدید" می‌گردد. شریفی سابقاً عضو سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) بود. در پایان همان سال، سازمان عقوبین‌الملل سرنوشت او را نامعلوم اعلام می‌کند. [گزارش سالنامه عقوبین‌الملل ۱۹۹۸]. از سوی دیگر، حزب دموکرات کردستان ایران گزارش کرده است که شریفی را پس از دستگیری در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۹۷ به مقامات ایران تحویل داده‌اند. [ح.د.ک.ا.، کوردستان، شماره ۲۴۲، فوریه ۱۹۹۷، ص ۱۳]

یافتنشان، بتوانند شخصاً در مقابل تهاجمات از خود محافظت کنند.

بالاخره آنچه که از همه بیشتر نگران‌کننده باقی می‌ماند این است که بخاطر محدودیت امکانات اسکان‌دهی اکثر پناهندگان در شرایط مخاطره‌آمیزی محسوس باقی می‌مانند. از اینکه کمیساریای عالی مجبور به به استفاده از یک سیستم رده‌بندی و تعیین اولویت شده و مجبور به انتخاب عده محدودی از پناهندگان برای اسکان‌دهی است نباید نتیجه‌گیری کرد که آن عده که انتخاب نمی‌شوند بطور عاجل به اسکان‌دهی احتیاج ندارند.

واقعیت این است که بعثت فقدان امنیت عمومی در شمال عراق و در خطر بودن جان هر ایرانی که سابقه مخالفت با دولت ایران را دارد، هر نوع ضابطه‌ای برای <

شامل می‌شود و تعداد قابل توجهی از پناهندگانی که از سالهای قبل در فهرست اسکان‌دهی کمیساریا بودند همچنان به کشور سوم منتقل نمی‌شوند.

به گفته خود کمیساریای عالی قرار است در سال ۱۹۹۸ حدود ۲۰۰۰ نفر از عراق در کشورهای سوم اسکان داده شوند (گفته نمی‌شود از این تعداد تخمینی چند نفرشان از شمال عراق هستند) ۱۸. اما باید توجه داشت که مثل سالهای قبل، انجام دادن کار این تعداد محدود نیز بخاطر عللی که در بالا ذکر شد غیرقابل پیش‌بینی و نامعلوم است. همچنین نباید این نکته مهم را فراموش کرد که برای آن دسته از پناهندگان که قرار است اسکان داده شوند، اینکه آیا واقعا آنها بتوانند از این امکان استفاده کنند یا خیر، بستگی به آن دارد که حین انجام گرفتن کارهای اسکان

► هیئت‌هایی از نروژ، سوئد، فنلاند و دانمارک برای مصاحبه با پناهندگان به عراق مسافرت می‌کنند. در نتیجه این امر، تعداد پناهندگان اسکان داده شده دو برابر می‌شود و به کمی بیشتر از ۵۰۰ نفر می‌رسد. اکثریت این افراد را ساکنین اردوگاه الطاش تشکیل می‌دادند. اما این تعداد همچنان فقط یک پنجم کل تعداد افرادی را تشکیل می‌داد که کمیساریای عالی برای اسکان دادن در آن سال تخمین زده بود (۲،۴۰۰). این رقم تخمینی نیز خود شامل نازل‌ترین تعداد بوده و کمتر از یک دهم تعداد واقعی پناهندگان نیازمند به اسکان را در بر می‌گرفته است. ۱۷ در سال ۱۹۹۷، پیشرفت بیشتری در اسکان دادن پناهندگان کُرد ایرانی از عراق حاصل می‌شود. با این وجود، این باز هم فقط ۶٪ پناهندگان نیازمند به اسکان را

➤ رده‌بندی و اولویت‌گذاری پناهندگان و تعیین اینکه چه کسی بیشتر یا کمتر در معرض خطر قرار دارد شدیداً در معرض اشتباه است. تا کنون تعداد قابل ملاحظه‌ای از پناهندگان با از دست دادن جان خود بهای گزافی برای اشتباهات این سیستم تعیین اولویت پرداخته‌اند. [به صفحه قبل مراجعه کنید]

گرچه کمیساری عالی همچنان ابراز می‌کند که "نگرانی‌اش نسبت به شرایط امنیتی در شمال عراق یا بر جاست" و اینکه "اسکان‌یابی در کشور سوم ابزار اصلی حفاظت" از پناهندگان این منطقه است، ولی واقعیت این است که بخاطر موانع برطرف‌نشده موجود، این سازمان از پاسخگویی به نیاز اکثریت مطلق پناهندگان به حفاظت و امنیت عاجز خواهد ماند. در نتیجه، هزاران پناهنده در شمال عراق همچنان بدون پناهندگی واقعی و بدون امنیت باقی خواهند ماند. آنها همچنان باید با اتکا به امکانات شخصی خودشان راه‌هایی پیدا کنند تا از تهاجم مہون بمانند و از جان خود محافظت کنند.

آن دسته از پناهندگان که امکانی برای توسل به تنها راه حل موجود، یعنی فرار به کشور همسایه ترکیه و درخواست کمک از دفتر کمیساری عالی در ترکیه، را می‌یابند نیز با موانع صعب‌العبور بیشتری مواجه می‌شوند. به محض گذشتن از مرزهای جنوب ترکیه آنان با شرایط مخاطره‌آمیز و خصمانه‌ای مواجه می‌شوند. در چند سال گذشته، مقامات ترکیه بسیاری از پناهندگان ایرانی را که از طریق شمال عراق وارد ترکیه شده‌اند، بدون هیچ تشریفات بزرگ به این طرف مرزها بازگردانده‌اند. آن دسته از پناهندگان هم که موفق شده‌اند به دفتر کمیساری عالی در ترکیه مراجعه کنند با امتناع این سازمان از ارائه هرگونه کمکی مواجه شده‌اند. کمیساری عالی به پناهندگان ابلاغ می‌کند که باید به شمال عراق برگردند و از دفاتر این سازمان در آنجا درخواست کمک کنند.

در بخش بعدی این گزارش به بررسی رفتارهای ناموجه و خودسرانه دولت ترکیه نسبت به پناهندگانی که از شمال عراق به ترکیه فرار می‌کنند می‌پردازیم. همچنین سیاست تبعیض‌آمیز کمیساری عالی، که شمال عراق را پناهگاه قابل قبولی برای این پناهندگان قلمداد می‌کند، را نقد خواهیم کرد و نشان خواهیم داد که هدف این سیاست چیزی جز حفظ امکانات و منابع این دفتر در ترکیه به قیمت قربانی کردن امنیت پناهندگان نیست.

پانوشت‌ها

۱. جامعه بین‌الملل وظیفه حفاظت از پناهندگان را از طریق مجمع عمومی سازمان ملل به دفتر کمیساری عالی واگذار

کرده است. وظایف زیر به این دفتر محول شده‌اند: یافتن راه‌حلهای پایدار برای مشکلات پناهندگان، نظارت بر اجرای قراردادهای بین‌المللی حفاظت از پناهندگان از سوی دولتها، و اشاعه "هرگونه طرحی که به بهبود شرایط پناهندگان انجامد"، اساسنامه دفتر کمیساری عالی ملل متحد در امور پناهندگان مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۱۴ دسامبر ۱۹۵۰.

۲. دولت عراق پناهندگان الطاش را در سال ۱۹۸۲ از شمال آن کشور به این اردوگاه منتقل کرد.

۳. کمیته اجرایی برنامه‌های کمیساری عالی، چهل و ششمین مجمع، UNHCR ACTIVITIES FINANCED BY VOLUNTARY FUNDS: REPORT FOR 1994-1995 AND PROPOSED PROGRAMMES AND BUDGET FOR 1996

۴. عراق در منطقه بی‌ثباتی واقع شده است که در نتیجه آن دهها هزار پناهنده به این کشور پناه آورده‌اند. این شامل ایرانیان از تمام گروههای ملی، کردهای ترکیه، فلسطینی‌ها، پناهندگان از کشورهای آفریقایی مختلف و دهها هزار افراد سرگردان که از پس از جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ از کویت اخراج شدند. علاوه بر این گروهها، کمیساری عالی مسئولیت کمک به هزاران کُرد و شیعیان عراقی را که از مناطق تحت کنترل دولت مرکزی اخراج و یا در نتیجه جنگ بین کُردها در شمال عراق بی‌خانمان شده‌اند را بعهده دارد. EC/47/SC/CRP.6، ۶ ژانویه ۱۹۹۷.

۵. باز هم آشوب در شمال عراق، رویرت کولویل، Refugees، شماره ۴، ۱۹۹۶، ص ۱۲.

۶. صد دینار عراقی که در سال ۱۹۸۹ برابر بود با ۳۲۰ دلار، در سال ۱۹۹۶ کمتر از پنج سنت ارزش داشته است.

۷. مثلاً، مردم بخاطر میزان بالای بیکاری برای بدست آوردن کمترین امکانات زندگی به خطرناک‌ترین کارها متوسل شده‌اند. بنا بر برخی گزارشات، زارعین به خشتی کردن مین‌های زنده متوسل شده‌اند تا آلومینیم مصرف شده در آنها را بفروشند "چرا که راه دیگری برای گذران زندگی وجود ندارد." The Independent، ۲۰ اکتبر ۱۹۹۶.

۸. در سال ۱۹۹۴، آژانس فرانسه گزارش کرد که کودکان کُرد یک سال است که شیر نخورده‌اند زیرا که شیر تازه وجود ندارد و یک قوطی شیر خشک نیز ۴ برابر مزد ماهانه فردی است که مثلاً از روی خوش‌شانسی در سازمان آب آریل کار پیدا کرده است. آژانس خبری فرانسه، ۱۷ مارس ۱۹۹۵.

۹. خبرگزاری رویتر، ۱۳ جولای ۱۹۹۵.
۱۰. همان منبع.

۱۱. کمیته ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان، World Refugee Survey، سال ۱۹۹۷.

۱۲. آژانس خبری فرانسه، ۱۳ ژوئن ۱۹۹۶.

۱۳. کمیته ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان، World Refugee Survey، سال ۱۹۹۶.

۱۴. یک سال بعد چندین هزار پناهنده اردوگاه الطاش در خواستنامه‌ای به سفارت ایران در بغداد تسلیم کردند تا به آنها اجازه بازگشت به ایران داده شود. ولی سفارت ایران گفت که پناهندگان مدارک درستی که ثابت کند آنها ایرانی هستند ندارند. خبرگزاری رویتر، ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۶.
۱۵. مراجعه کنید به مقاله احماء دوباره اسکان‌دهی بعنوان راه‌حلی پایدار، جان فردریکسون، نماینده واشنگتن سازمان Immigration and Refugee Service Lutheran، مندرج در World Refugee Survey، سال ۱۹۹۷. بعنوان یک مثال بارز درباره اینکه اسکان‌دهی تاجه اندازه برای کمیساری عالی بی‌اهمیت شده، نویسنده به میزان بودجه و تعداد کارمندان اختصاص داده شده به این امر اشاره می‌کند:

«طبق خلاصه‌علنی ارزیابی از یک گزارش غیرعلنی سال ۱۹۹۴ تحت عنوان، Resettlement in the 1990s: A Review of Policy and Practice کمیساری عالی از ۱۴ بیلیون دلار کل بودجه این سازمان فقط ۷۲ میلیون دلار به برنامه‌های اسکان‌دهی اختصاص داده است. این رقم ناچیز، فقط یک دوم از یک درصد بودجه کمیساری عالی را شامل می‌شود. همان گزارش اضافه می‌کند که از تقریباً ۱۰۷۰۰ کارمند کمیساری عالی در سراسر دنیا، بخش اسکان‌دهی فقط شمار کوچک ۲۵ نفر را شامل می‌شود. فقط پنج نفر از این عده افراد حرفه‌ای و کارمندان بین‌المللی‌اند که چهار نفر از این پنج تن نیز در ژنو مستقر هستند.»

یک مثال دیگر نقطه نظرات نیکولاس موریس، مدیر بخش تدارکات عملیات کمیساری عالی است که در مخالفت با اسکان‌دهی پناهندگان شهر نشین بحث می‌کند. مراجعه کنید به کمیساری عالی و پناهندگان، کمیته ایالات متحده برای پناهندگان، Refugee Reports، ۳۰ نوامبر ۱۹۹۷.

۱۶. Assessment of Global Resettlement needs for 1995، ص ۲۲.

۱۷. بخش اسکان‌دهی کمیساری عالی، UNHCR REPORT ON 1997 RESETTLEMENT ACTIVITIES, Resettlement and Special Cases Section, Division of International Protection, ژانویه ۱۹۹۸.

۱۸. همان منبع. ■

کمیساریای عالی در ترکیه به سیاست آیرام ادامه می‌دهد

در ماه نوامبر ۱۹۹۷ فراخوانی دادیم برای اقدامات حمایتی در رابطه با شرایط مخاطره آمیز پناهندگان کُرد ایرانی که پس از فرار به ترکیه بخاطر فقدان امکانات پناهندگی در شمال عراق با عدم مساعدت کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان ("کمیساریای عالی") مواجه می‌شوند و به آنها ابلاغ می‌شود که باید مجدداً به شمال عراق بازگردند. سیاست عدم کمک مذکور، که "جابجایی بی‌قاعده" (آی‌ام) خوانده می‌شود، از ۱۳ فوریه ۱۹۹۷ آغاز شده و پناهندگان را در معرض اخراج از سوی مقامات ترکیه قرار داده است. نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی این سیاست را مورد انتقاد قرار داده و خواهان توقف فوری آن است. زیرا شمال عراق کشور اول پناهندگی آسانی برای پناهندگان ایرانی نیست. همچنین، بعلمت محتمل نبودن اسکان یابی پناهندگان از شمال عراق - که تنها راه حل پایدار مسائل آنان است - اکثریت پناهندگان این منطقه باید سالها در شرایط مخاطره آمیزی بسر ببرند. [مراجعه کنید به "پناهگاه ناآمن":

وضعیت پناهندگان ایرانی در کُردستان عراق (در شماره قبل و حاضر این بولتن) و به نامه ما خطاب به کمیساریای عالی در امور پناهندگان که در پائین چاپ شده است]. کمیساریای عالی نقش مهم و حساسی در حمایت از پناهندگان مقیم ترکیه دارد. بررسی مجدد سیاستهای این سازمان نسبت به پناهندگان کُرد ایرانی نیازی حیاتی است. سیاست محدود کننده و بازدارنده آی‌ام باید مورد مذاقه قرار گیرد، زیرا که مانع از دسترسی پناهندگان به پناهندگی واقعی و امنیت است. با اصول و قوانین تثبیت شده پناهندگی در تضاد است و اعتبار خود کمیساریای عالی را بعنوان حامی جهانی پناهندگان زیر سوال می‌برد. خواهشمندیم همچنان نگرانی خود را با مکاتبه با مرکزیت کمیساریای عالی و شعبه‌های آن ابراز کنید و مجدداً بخواهید که این سازمان:

۱ - جلوی اخراج پناهندگان ایرانی به شمال عراق را بگیرد و از هرگونه اقدام دیگری که مانع از درخواست

پناهندگی آنها در ترکیه شود جلوگیری کند.

۲ - سیاست آی‌ام را متوقف کند و برای کلیه پناهندگانی که ناچاراً از شمال عراق به ترکیه فرار می‌کنند امکانات اسکان یافتن در کشور سوم فراهم کند.

نامه‌های خود را خطاب به مراجع زیر ارسال کنید:

(۱) High Commissioner Sadako Ogata
UNHCR- Geneva Headquarters
Tel: 41-22-739-8587 Fax: 41-22-739-7377

(۲) Mr. El Oual
UNHCR- Senior Regional Legal Adviser for
CENTRAL ASIA, SOUTH WEST ASIA,
N. AFRICA AND THE MIDDLE EAST
Tel: 41-22-739-8587 Fax: 41-22-739-7377

(۳) Dennis MacNamara
UNHCR- Division of International Protection
Tel: 41-22-739-8587 Fax: 41-22-739-7377

(۴) Barry Rigby, Representative
UNHCR- Branch Office in Turkey
Tel: 90-312-439-6615 Fax: 90-312-438-2702.

که پناهندگان دیگر نباید بخاطر دستیابی به امکانات اسکان یافتن در کشور سوم به ترکیه پناه جویند.

اما کلیه شواهد موجود با نتیجه‌گیری‌های خوشبینانه بالا در تضاد است. اطلاعات موجود، مثل اخبار جرایم عمومی، گزارشات سازمانهای غیردولتی، شواهد بدست آمده توسط محققین و همچنین گزارشات خود کمیساریا همگی به این حقیقت اشاره می‌کنند که امنیت جانی پناهندگان ایرانی در شمال عراق شدیداً در معرض خطر است و چشم‌اندازی نیز برای بهبود این وضعیت وجود ندارد. به همین ترتیب، اطلاعات موجود در اسناد علنی کمیساریا در مورد فعالیت‌های اسکان دهی آن از عراق به کشورهای دیگر بهیچوجه نشانگر درجه قابل قبولی از اسکان دهی برای پناهندگان در شمال عراق نیستند. گزارش ضمیمه تحت عنوان "پناهگاه ناآمن: وضعیت پناهندگان ایرانی در کُردستان عراق" بطور واقع‌بینانه‌ای شرایط مخاطره‌آمیزی را که این پناهندگان با آن مواجه هستند توصیف می‌کند. بدلیل عدم ثبات و اوضاع متلاطم عمومی منطقه، سیاستهای داخلی احزاب کُرد، و گسترش روزافزون فعالیت‌های عوامل ایران، کُردهای ایرانی در شمال عراق به آسانی مورد حمله دولت ایران قرار می‌گیرند. این گزارش نشان می‌دهد که نه فقط اعضای فعال احزاب اپوزیسیون بلکه پناهندگان نیز، در حالی که مأیوسانه منتظر اسکان یابی در کشور سوم هستند، قربانی حملات و آدم‌ربایی دولت ایران شده‌اند.

ما از این که در سال ۱۹۹۶ برنامه اسکان دهی کمیساریا در عراق نسبت به سال‌های گذشته قدری گسترش یافته است آگاه هستیم (در سال ۱۹۹۶ تعداد ۵۱۴ پناهنده از ۲,۴۰۰ نفری که قرار بود در این سال در کشور سوم اسکان یابند عملاً به کشور سوم رفتند در حالی که در سال ۱۹۹۵ فقط ۲۵۵ نفر از ۱,۴۶۰ نفر تخمین زده شده عراق را ترک گفتند و این رقم در سال ۱۹۹۴، فقط ۲۸۰ نفر از ۲,۰۰۰ نفر بوده است). اما در عین حال، بدلائل زیر شکمی نداریم که این افزایش بسیار ناکافی است و جوابگوی اسکان دهی پناهندگان شمال عراق در کشورهای سوم آمن نیست:

۱. افزایش فعالیت‌های کمیساریا در سال ۱۹۹۶ در زمینه اسکان پناهندگان از عراق فقط یک پنجم تعداد کل تخمین زده شده را در بر گرفته است که خود این تخمین

خام سادا کو اوگاتا

کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان

موضوع: سیاست بازگرداندن پناهندگان کُرد ایرانی به شمال عراق

خام اوگاتای عزیز:

این نامه را می‌نویسم تا از شما بخواهیم سیاست اطلاق "جابجایی بی‌قاعده" (آی‌ام IM - Irregular Mover) به پناهندگان کُرد ایرانی که از شمال عراق به ترکیه می‌آیند و بازگرداندن آنها به شمال عراق را مورد تجدید نظر قرار دهید. این سیاست توسط دفتر ترکیه این کمیساریا اعمال می‌شود. ما قبلاً در ۳۰ اوت ۱۹۹۷ با نامه‌ای از آقای ال‌اوالی مشاور حقوقی آرشد بخش خاورمیانه درخواست روشنگری کرده بودیم ولی پاسخی دریافت نکردیم.

سیاست آی‌ام بازگرداندن پناهندگان کُرد ایرانی به شمال عراق بدلائل زیر مورد انتقاد ما است:

■ پناهندگی آمن و امنیت جانی در کشور میزبان حق بنیانی پناهندگان است. در کنار این حق، پناهندگان همچنین نباید به اجبار به کشورهای بازگردانده شوند که در آنجا جان و آزادی‌شان تهدید شود و حقوق پایه‌ای بشر آنها نیز بایستی تضمین شود.

■ مسئولیت تأمین پناهندگی واقعی و آمن به کمیساریای عالی پناهندگان محول شده است. از ۱۳ فوریه ۱۹۹۷ که سیاست آی‌ام آغاز شده است، ده‌ها پناهنده کُرد ایرانی که دفتر کمیساریا از کمک به آنها سر باز زده است در معرض اخراج از سوی مقامات ترکیه قرار گرفته‌اند. برخی از این پناهندگان برای بار دوم به ترکیه وارد شده‌اند. آنها یک بار دیگر نیز پیش از شروع شدن سیاست آی‌ام وارد ترکیه شده بودند ولی پلیس ترکیه خودسرانه آنها را به شمال عراق بازگرداند. بنا بر گفتگوهای انجام گرفته، بنظر می‌رسد دفتر کمیساریا در ترکیه بر اساس موارد زیر از این سیاست دفاع می‌کند:

۱. در حال حاضر میزان قابل قبولی از امنیت برای پناهندگان کُرد ایرانی در شمال عراق

وجود دارد، و

۲. افزایش فعالیت‌های اسکان دهی کمیساریا در شمال عراق آنچنان وسعت یافته است

اولیه هم به علت محدودیت امکانات اسکان دهی کمترین تعداد را در بر گرفته است.

۲. تعداد کل پناهندگان ایرانی در عراق که در سال ۱۹۹۶ به اسکان دهی در کشور سوم نیازمند بودند حداقل پنج برابر تعداد تخمینی کمیساریا بوده است: این شامل ۳,۶۸۲ پناهنده در شمال این کشور و حداقل ۸,۰۰۰ نفر از ۲۰۰۸۰ پناهنده ساکن اردوگاه آلتاش (در مناطق تحت کنترل دولت) که برای بازگشت به ایران داوطلب نشده‌اند می‌شود.

۳. در دو سال گذشته هیچگونه اقدامی برای تسهیل بازگشت ۱۲,۰۰۰ پناهنده اردوگاه آلتاش که طبق گزارشات پس از ناامید شدن از اسکان یافتن در کشوری دیگر در سال ۱۹۹۵ داوطلب بازگشت به ایران شده‌اند، انجام نشده است.

۴. همانطور که خود کمیساریا گزارش کرده است، اکثریت افراد اسکان داده شده در سال ۱۹۹۶ از اردوگاه آلتاش بوده‌اند و نه از شمال عراق.

علاوه بر اینها، دفتر ترکیه کمیساریا با ارجاع پناهندگانی که برای اسکان یابی از این دفتر کمک می‌خواهند به دفتر کمیساریا در شمال عراق، هماهنگی و نظم اسکان دهی پناهندگان در سطح بین‌المللی را بهبود مختل می‌کند و انتقال آنها را به تاخیر می‌اندازد. بر اساس اطلاعات رسیده از دفتر کمیسیون بین‌المللی مهاجرت کاتولیک در استانبول که مسئول اسکان دهی پناهندگان در آمریکا است، دفتر کمیساریا در ترکیه نتوانسته است سهمیه ۱۹۹۶ ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان ایرانی در ترکیه را پر کند. بنابراین غیرمنطقی است که پناهندگان را مجبور ساخت برای اسکان یابی به دفاتر کمیساریا در شمال عراق - که بنا به اعتراف خود این سازمان از ضعیف‌ترین و پر مشکل‌ترین دفاتر است - مراجعه کنند در حالی که در ترکیه برنامه اسکان یابی بسیار کارآتری در جریان است و سهمیه مازاد نیز وجود دارند.

همچنین وجود علائمی مبنی بر اینکه سیاست آی ام از سوی دولت ترکیه به کمیساریا دیکته شده است ما را بسیار نگرانتر می‌کند. این حقیقت که سیاست آی ام بدنبال چندین حمله وسیع پلیس ترکیه به پناهندگان برای اخراج دسته دسته آنها به شمال عراق اعلام شد بر هیچکس پوشیده نیست. سیاست آی ام کمیساریا مشخصاً بلافاصله پس از یک حمله سراسری برای اخراج صدها پناهنده که غیرقانونی در ترکیه بسر می‌بردند ولی شامل کمک‌های دفتر ترکیه کمیساریا می‌شدند شروع شد.

دفتر ترکیه کمیساریا، اما، چشمان خود را بر روی کلیه این حملات بست و اجازه داد که دولت ترکیه بدون هیچ مقابله و انتقادی اساسی‌ترین اصل پناهندگی را زیر پا بگذارد. ماده ۳۳ میثاق پناهندگی ملل متحد و اصل عدم بازگرداندن پناهنده بروشنی بازگرداندن پناهندگان را به سرزمین‌هایی که در آنجا جان و آزادی‌شان به مخاطره می‌افتد ممنوع کرده است. بعلاوه کمیساریا بی‌صدافتی تمام بی‌عملی خود را اینطور توجیه نمود که "اصل عدم بازگرداندن پناهنده مربوط به بازگرداندن او به کشور موطنش است و شامل کشور دیگری نمی‌شود". در حالیکه پنجاه سال پیش تهیه کنندگان میثاق پناهندگی ملل متحد در تدوین ماده ۳۳ آگاهانه کلماتی را برگزیده بودند که کاملاً روشن کند اصل عدم بازگرداندن پناهنده نه فقط کشور موطن او، بلکه هر کشور دیگری که در آن جان و آزادی‌اش مورد تهدید واقع شود را در برگیرد.

اینکه یک بخش از کمیساریا این ماده اصلی میثاق را تحریف می‌کند موجب نگرانی بسیار است، آنهم در کشوری که بعنوان نافرمان‌ترین کشور اروپایی در اجرای میثاق پناهندگی شناخته شده است. عواقب جدی‌تر این اهمال و غفلت زمانی بیشتر روشن می‌شود که اظهار نظر خودتان را در مورد توجه قرار دهیم - اینکه تمایل رو به کاهش دولتها در اعطای پناهندگی از نگران‌کننده‌ترین مسائل انسانی مورد بحث در سطح بین‌المللی است و در این رابطه مفاهیم کلی آنچنان بطور روز افزون از سوی دولتها تحریف می‌شوند که دیگر معنی و هدف خود را از دست داده‌اند.

همچنین جای بسی ناامیدی است که یک بخش از کمیساریا مقوله آی ام را این چنین اشتباه تعریف می‌کند و غیرمسئولانه بکار می‌گیرد. نتیجه‌گیری شماره ۵۸ کمیته اجرایی کمیساریا مقوله آی ام را فقط شامل حال کسانی می‌داند که "به امنیت دست یافته‌اند" ولی با این وجود "بی‌قاعدگی جابجا می‌شوند" تا در کشور دیگری "درخواست پناهندگی یا اسکان دائم بنمایند". گذشته از این، در ادامه همین نتیجه‌گیری بروشنی آمده است که «... در این میان استثنائاتی هم می‌تواند وجود داشته باشد، زمانی که پناهنده یا پناهجو مدعی می‌شود که در کشوری که در آن قبلاً پناه یافته به دلایل موجهی از پیگرد و آزار می‌هراسد و یا امنیت جانی و آزادی‌اش با خطر مواجه می‌شود. در چنین مواردی مقامات کشورهای میزبان بایستی با نظر مثبت برخورد کنند...»

بجای استفاده از تعریف اشتباه مذکور، ما توصیه می‌کنیم که به این افراد "پناهندگان بدون کشور پناهندگی" اطلاق شود. این مقوله از سوی کمیساریای عالی در سی‌امین مجمع کمیته اجرایی کمیساریا معرفی شده است. در آن مجمع، کمیساریای عالی متذکر شد در شرایطی که می‌توان بطور مستدل مشخص کرد پناهنده از "امنیتی که لازمه پناهندگی است" برخوردار نیست و "او احساس می‌کند باید بالاجبار در کشور دیگری تقاضای پناهندگی کند، بایستی به درخواست او با نظر مثبت نگریم و نباید بسادگی گفت که او در حال حاضر در یک کشور دیگر از پناهندگی برخوردار شده است." کمیساریای عالی حتی از این هم فراتر می‌رود و اضافه می‌کند که:

« اما، موارد دیگری هم می‌تواند وجود داشته باشد که شرایط حاکم در کشور پناهندگی مثل فقدان امکانات اشتغال و تحصیل، طوری باشد که پناهنده نتواند در آن کشور خود را مستقر سازد. چنین مواردی را باید با اسکان دادن پناهنده در کشوری دیگر حل کرد. اگر تحت چنین شرایطی پناهنده خودش تصمیم گرفت که کشور پناهندگی‌اش را ترک کند، دلایل خوبی می‌تواند وجود داشته باشد که کشورهای دیگر با همدردی به تمایل او برای مستقر ساختن خودش در مکان دیگری برخورد کنند.»

در پایان، بار دیگر توجه شما را به انگیزه واقعی جابجایی پناهندگان ایرانی از شمال عراق به ترکیه جلب می‌کنیم. آنها برای فرار به ترکیه دارای تمام عمرشان را بر باد می‌دهند و جان خود و فرزندان‌شان را با گذشتن از مرزهای بشدت کنترل شده امنیتی و مین‌گذاری شده به مخاطره می‌اندازند، چرا که می‌خواهند از مخاطراتی به مراتب جدی‌تری فرار کنند. اگر دوباره به شمال عراق دیپورت شوند با شرایط امنیتی براتب خطرناک‌تر و اوضاع اقتصادی و فشارهای روانی براتب سخت‌تری مواجه خواهند شد و برای اکثریت مطلق آنها اسکان یافتن در کشور سوم همچنان غیرممکن خواهد بود. ما مطمئن هستیم اگر زمانی شرایط امنیتی در شمال عراق واقعاً بهبود یابد و میزان اسکان دهی کمیساریا از شمال عراق واقعاً افزایش یابد، پناهندگان دیگر به ترکیه فرار نخواهند کرد. اما، تا زمانی که چنین شرایطی برقرار نشده، بدلائل انسان دوستانه از شما مصرانه می‌خواهیم که:

۱. جلوی اخراج پناهندگان ایرانی به شمال عراق را بگیرید و از هرگونه اقدام دیگری که مانع از درخواست پناهندگی آنها در ترکیه شود جلوگیری کنید.

۲. سیاست آی ام را متوقف کنید و برای کلیه پناهندگانی که ناچاراً از شمال عراق به ترکیه فرار می‌کنند امکان اسکان یافتن در کشور سوم فراهم کنید.

از شما بخاطر توجه به این مسائل عاجل و نگران‌کننده متشکریم و از پاسخ شما استقبال می‌کنیم.

با احترام،

امضاء،

نانسی هورماشه - ESQ

دبیر همبستگی با پناهندگان ایرانی

اخراج پناهجویان ایرانی از هلند، آیا بحران پایان یافته است؟

از داحو آبادی

داوطلبانه به ایران بازگشته‌اند. بنا بر همین گزارش، حداقل ۳۳ نفر دیگر نیز در سال ۱۹۹۷ اخراج شده‌اند. ۸ در همین تاریخ، خبرگزاری فرانسه گزارش کرد که بین سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ هلند بیش ۵۰۰ ایرانی را بازگردانده است و ۱۲۱ نفر دیگر پس از مردود اعلام شدن درخواست پناهندگی شان داوطلبانه به ایران بازگشته‌اند. همین خبرگزاری گفته است که در نیمه اول سال ۱۹۹۷ نیز ۳۵ نفر داوطلبانه بازگشته‌اند و ۲۰ نفر دیگر اخراج شده‌اند.^۹

اعتراضات و انتقادات

سیاست دولت هلند در مورد اخراج ایرانیانی که درخواست پناهندگی شان مردود اعلام شده با اعتراضات شدیدی از سوی گروهها و ایرانیان مواجه شده است. این اعتراضات در اشکال مختلفی نظیر تجمعی، تظاهرات، و انتقادات علنی صورت گرفته‌اند. چندین سازمان پناهندگی هلندی نیز با کوششهای خود در سطح دولتی برای متوقف کردن این سیاست به این اعتراضات پیوسته‌اند و/یا سرپناه، خدمات بهداشتی، و کمک حقوقی برای پناهجویان در خطر فراهم کرده‌اند. برخی از پناهجویان ایرانی که با خطر اخراج مواجه شده بود نیز دست به اعتصابات غذای درازمدت زده‌اند یا اقدام به خودسوزی و اشکال دیگر خودکشی کرده‌اند. بنا بر گزارش سازمان پرایم (Participating Refugees in Multicultural Europe) بیش از ۱۰۰ پناهجو اقدام به خودکشی کرده‌اند (که این شامل اعتصاب‌های غذا نمی‌شود). بیش از بیست مورد از این اقدامات موفقیت آمیز بوده است.^{۱۰}

در بعضی موارد حتی چنین اقداماتی نیز نتوانسته است دولت هلند را وادار به عقب نشینی کند و حداقل اخراج را به تعویق اندازد. در ماه ژوئیه ۱۹۹۶، یک مرد ایرانی را با وجود

بهبود روابطش با ایران، نه از طریق تاثیر مستقیم روی دولت ایران، بلکه از طریق جلب افکار عمومی هلند به این مسئله که شرایط سیاسی و حقوق بشر در ایران آنطورها هم بد نیست. ممنوعیت اخراج ایرانیان رسماً از ژانویه ۱۹۹۰ لغو شد. لیکن، متعاقب ارائه درخواست فرجام‌خواهی از سوی دو پناهجوی ایرانی به دادگاه اتباع خارجی در لاهه کلیه اخراج‌های آن سال متوقف شدند.^۴ این دادگاه درخواست فرجام‌خواهی این دو پناهجو را در نوامبر ۱۹۹۰ مردود اعلام کرد. حکم دادگاه متعاقباً مجوزی شد در دست دولت برای اخراج صدها ایرانی که تا آن زمان در هلند بلا تکلیف مانده بودند. دادگاه در رابطه با حکم صادر شده گفت که شرایط سیاسی و حقوق بشر در ایران به خودی خود دلیل کافی برای اعطاء موقعیت پناهندگی به پناهجویان ایرانی نیست.^۵

پس از این واقعه، مقامات هلند اولین ایرانی را در ۱ فوریه ۱۹۹۶ به ایران بازگردانند.^۶ وزارت امور خارجه هلند نیز در گزارش محرمانه‌ای در مه ۱۹۹۶، روی ارزیابی دادگاه مذکور صحنه گذارد و اعلام کرد که گرچه ایران با "معیارهای غربی" کشور دموکراسی و قانون نیست، ولی شرایط عمومی در ایران به آن اندازه وخیم نیست که بازگرداندن پناهجویان مردود اعلام شده را به عملی غیرمستولانه مبدل سازد.^۷ گزارش این وزارتخانه راه را برای اخراج‌های بیشتری در آن سال هموار کرد.

آمار اخراج‌ها

آمار دقیقی درباره تعداد ایرانیانی که بزور بازگردانده شده‌اند و یا تحت فشار مجبور شده‌اند به ایران برگردند موجود نیست. مطبوعات هلند گزارش کرده‌اند که در سال ۱۹۹۰ تعداد ۷۳ ایرانی اخراج گردیده‌اند. در سال ۱۹۹۶ به ۵۱ ایرانی دستور داده شده که هلند را ترک کنند و ۱۲۲ نفر دیگر در این سال

شمار فزاینده‌ای از پناهجویان ایرانی از هلند درخواست پناهندگی کرده‌اند. برخلاف باور عمومی، این سیل فزاینده با میزان پذیرش درخواست پناهندگی ایرانیان در این کشور همخوانی نداشته است. در سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۹۵ تعداد شانزده هزار ایرانی از هلند درخواست پناهندگی کردند و مقامات هلند در مورد نزدیک به پانزده هزار درخواست تصمیم گرفتند. از این تعداد فقط ۱۷٪ بعنوان پناهنده رسمی (طبق تعریف میثاق پناهندگی ملل متحد) پذیرفته شدند. پائین‌ترین نرخ پذیرش، فقط ۶٪ در سال ۱۹۹۵ بوده است. به ۲۳٪ دیگر بر اساس ملاحظات انسانی اجازه اقامت داده شده است و ۶۰٪ بقیه را بکلی مردود اعلام کرده‌اند. تا پیش از سال ۱۹۹۴، هلند سیاست عدم اخراج ایرانیانی که به آنها پناهندگی یا اجازه اقامت انسانی داده نمی‌شد را دنبال می‌کرد و به آنها اجازه می‌داد که بر اساس نوعی "موقعیت تحمل اجباری" در هلند بمانند.^۲

آغاز سیاست اخراج

لیکن، در اواخر سال ۱۹۹۴، مقامات هلند با استناد به گزارشی از سوی وزارت امور خارجه این کشور، اخراج ایرانیانی که درخواست پناهندگی شان مردود اعلام شده بود را آغاز کردند. در گزارش مذکور آمده بود که در برخی موارد بازگرداندن پناهجویان ایرانی مخاطره آمیز نیست.^۳

اما، علل واقعی این تغییر سیاست را باید به مسائل دیگری مربوط دانست. دلایلی مثل از دید قابل توجه شمار درخواست کنندگان پناهندگی ایرانی در هلند (در سال ۱۹۹۴، ۵۱٪ کل پناهجویان ایرانی در اروپا در هلند درخواست پناهندگی کردند)، محدودیت‌های فزاینده‌ای که هلند همانند بقیه کشورهای اروپایی برای ممانعت از مهاجرت ناخواسته اعمال می‌کند، و بالاخره، تمایلات دولت هلند برای

تعداد درخواست‌های پناهندگی و تصمیمات گرفته شده برای ایرانیان

	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	تعداد کل	تعداد کل اروپا	تعداد کل شمال آمریکا
درخواست‌ها	۱,۷۲۰	۱,۷۳۰	۱,۳۰۰	۲,۶۱۰	۶,۰۸۰	۲,۷۰۰	۱۶,۱۴۰	۷,۰۶۰	۱۴,۱۳۰
پناهندگی اعطا شده	۲۶۰ (٪۳۱)	۲۲۰ (٪۱۳)	۱۰۱ (٪۴۴)	۴۸۰ (٪۲۹)	۲۸۰ (٪۸)	۳۰۰ (٪۶)	۲,۵۵۰ (٪۱۷)	۲۱,۷۶۰ (٪۳۶)	۸,۲۶۰ (٪۷۹)
جواب مردودی	۵۷۰	۱,۴۴۰	۱,۳۱۰	۱,۲۰۰	۳,۰۴۰	۴,۶۲۰	۱۲,۱۸۰	۳۸,۲۱۰	۲,۲۴۰
اقامت انسانی	۴۰	۱۲۰	۴۴۰	۴۳۰	۱,۳۲۰	۱,۰۸۰	۳,۴۳۰	۱۱,۴۳۰	۰

منبع: کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، ۳ ژوئن ۱۹۹۷

مرگ مشکوک ایرانی بازگردانده شده می‌بایست بقیهٔ اخراج‌ها را متوقف کند

مرگ ایرانی بازگردانده شده مشکوک است

روزنامه De Volkskrant ۱۹۹۶.۱۲.۱۱

جسد رضا هاشمی، که پس از بازگردانده شدن از هلند فوت کرده است، دارای آثار زخم و جراحات شدیدی است. تحقیق درباره علت مرگ او هنوز ادامه دارد. گزارش مرگ وی را معاون وزارت امور خارجه روز چهارشنبه در مجلس دوم هلند اعلام کرد. طبق خط مشی موجود، علت مرگ رضا هاشمی با دقت فراوان پیگیری می‌شود. اثبات قتل وی بخاطر پناهجویی در خارج از ایران می‌تواند دلیلی باشد برای توقف کامل اخراج‌ها. خام‌اشمیت معاون وزارت دادگستری از ماه پیش اخراج ایرانی‌ها را متوقف کرده و منتظر گزارش جدید وزارت امور خارجه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران است.

پس از اینکه درخواست پناهندگی هاشمی رد شده بود او داوطلبانه به ایران بازگشت. این را آقای پاتین، معاون وزارت امور خارجه گفت. سفارت هلند در ایران دریافت کرده است که هاشمی در روز سی‌ام ماه ژوئن فوت کرده و در هفدهم ماه ژوئیه او را دفن کرده‌اند.

که یک هفته است هاشمی ناپدید شده. مدتی بعد یک کارمند آزمایشگاه مدارک شناسایی هاشمی را پیدا می‌کند و به خانواده‌اش اطلاع می‌دهد. ولی می‌گوید که جسد هاشمی را ندیده است. متعاقباً، خانواده هاشمی به قبرستان بهشت زهرا می‌روند و در آنجا سنگ قبر هاشمی را پیدا می‌کنند.

مقامات ایران ادعا کرده‌اند که هاشمی بر اثر تصادف کشته شده است. آنها گفته‌اند که نامش را در روزنامه چاپ کرده‌اند و چون پاسخی نگرفتند او را دفن کرده‌اند. ولی تحقیقات بیشتر روشن کرده است که مقامات ایرانی اسم هاشمی را در روزنامه درست نوشته بودند. این بسیار عجیب است چرا که آنها مدارک شناسایی هاشمی را در اختیار داشتند و از سوی دیگر اسم او درست روی سنگ قبرش نوشته شده است. مسئله عجیب دیگر این است که عکس او را در آگهی روزنامه چاپ نکرده بودند، در صورتیکه در ایران چاپ عکس متوفی برای شناسایی بسیار معمول است.

بنا بر گزارش مطبوعات در هلند، سفارت هلند در ایران شرایط مشکوک مرگ هاشمی و این احتمال که او را قبل از مرگش شکنجه کرده‌اند را تأیید کرده است. گرچه مقامات هلند اعلام کرده‌اند که تحقیقات درباره شرایط مرگ هاشمی همچنان ادامه خواهد داشت، هیچ گزارش جدیدی در این مورد منتشر نشده است. هاشمی تنها موردی نیست که به اطلاع مقامات هلند رسیده است. یک نمونه دیگر، ایرانی بازگردانده شده دیگری بنام سیاوش محمدی است. گزارش شده است که او را بلافاصله پس از بازگشت به ایران بازداشت و زندانی کرده‌اند.

سرنوشت غم‌انگیز و وحشتناک هاشمی باید زنگ خطر جدی‌ای باشد برای همه کشورهای اخراج پناهجویان ایرانی را کلاً متوقف سازند. این واقعه کارآیی دستگاه‌های حفاظت از پناهندگان که افرادی مثل هاشمی را واجد شرایط پناهندگی تشخیص نمی‌دهند شدیداً زیر سوال می‌برد. واضح است که این دستگاه‌ها باید مورد مذاقه جدی قرار گیرند و عمیقاً اصلاح شوند تا با قوانین جهانی همخوان گردند (در این مقاله از گزارشات روزنامه هلندی Trouw شماره‌های ۴ و ۷ نوامبر ۱۹۹۷ استفاده شده است). ■

سرنوشت غم‌انگیز و وحشتناک یک پناهجوی ایرانی پس از بازگرداندن وی به ایران به علت رد درخواست پناهندگی‌اش در هلند لکه ننگی است بر دستگاه جهانی حفاظت از پناهندگان. با توجه به مرگ مشکوک این پناهجو، کلیه کشورهای می‌بایست اخراج پناهجویان ایرانی را اعمال می‌کنند بایستی این سیاست را مورد تجدید نظر قرار دهند.

سیاست دولت هلند در مورد اخراج ایرانیانی که بعنوان پناهنده برسمیت شناخته نشده‌اند رسماً از ژانویه سال ۱۹۹۰ آغاز شد. پایه این سیاست بخشاً بر ادعای دولت هلند مبنی بر وجود "مونیتورینگ" در ایران - یعنی پیگیری و نظارت بر وضعیت بازگردانده شدگان از سوی سفارت هلند در ایران - بنا شده بود. چندین کشور غربی دیگر که آنها نیز سیاست اخراج را اعمال می‌کنند، هر چند که برنامه "مونیتورینگ"ی را ادعا نکرده‌اند، ولی همچنان اصرار می‌ورزند که قادرند سرنوشت بازگردانده شدگان به ایران را پیگیری کنند.

نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی بی‌پایه و اساس بودن این ادعاها را بی‌وقته متذکر شده است، چرا که هر نوع نظارتی در ایران غیرعملی است. دولت ایران مصرانه و بنحویر نامرئزی شده‌ای از هر نوع تحقیق مستقلی که مربوط به نقض حقوق بشر در ایران باشد شدیداً جلوگیری کرده است. هیچ سازمان مستقل حقوق بشری در ایران وجود ندارد و محققین بین‌المللی حقوق بشر مثل غایب‌نده ویژه سازمان ملل متحد و نمایندگان سازمان عفو بین‌الملل همچنان به ایران ممنوع‌الورود هستند. و بالاخره اغلب افرادی که بازگردانده می‌شوند مایل به افشای هرگونه نقض حقوق بشری که پس از بازگشت ممکن است با آن مواجه باشند نیستند، چرا که هراس دارند چنین افشاگری‌هایی به مجازات بیشتر خود و خانواده‌شان بیانجامد.

با وجود این موانع آشکار، مقامات هلند تا همین اواخر اصرار می‌ورزیدند که سفارت آنها در تهران برای ایرانیان بازگردانده شده برنامه "مونیتورینگ" دارد و بر اساس این برنامه ثابت کرده است که تاکنون هیچ یک از افراد بازگردانده شده از هلند با مشکلی مواجه نشده‌اند. ولی، بالاخره، در اکتبر ۱۹۹۷، نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و دادگستری هلند مجبور شدند بپذیرند که سفارت هلند در ایران از یک سال قبل برنامه "مونیتورینگ" خود را قطع کرده است. مدت کوتاهی پس از این اعتراف، مطبوعات هلند سرنوشت غم‌انگیز و وحشتناک یک ایرانی را که یک هفته پس از بازگشتش به ایران ناپدید و متعاقباً جسدش در قبرستان پیدا شده بود گزارش کردند.

رضا هاشمی در سال ۱۹۹۴، همسر و فرزندش را ترک و به هلند فرار کرد. پرونده پناهندگی او در سال ۱۹۹۰ بسته شد و تا سال ۱۹۹۶ تشریفات مربوط به اخراجش به جریان افتاد. هاشمی پس از مواجه شدن با اجتناب ناپذیری اخراجش توسط مقامات هلند تصمیم گرفت که داوطلبانه به ایران بازگردد تا از تماس مستقیم با سفارت ایران معاف گردد. چرا که مقامات هلند افرادی را که به زور بازمی‌گردانند به سفارت ایران می‌برند تا برای آنها مدارک مسافرت موقت "لبه‌پاسه" تهیه کنند.

بنا بر گفته‌های دوستانش در اردوگاه پناهندگی "دردرخت"، وقتی هاشمی برکه‌های مربوط به بازگشت داوطلبانه‌اش را امضا می‌کرد تعادل روحی نداشت. دچار بی‌خوابی مفرط شده بود. می‌خواست تنها باشد و با کسی صحبت نمی‌کرد. می‌گفت احساس می‌کند هر روز یک قدم به سوی مرگ نزدیکتر می‌شود. دیگر فرد باهوش و آرام قدیم نبود. تنها شبی از هاشمی قدیم بود.

دو هفته پس از بازگشتش به ایران، فردی با دوستانش در هلند تماس تلفنی می‌گیرد و می‌گوید

اینکه بخاطر زدن رگ دستش قانوناً ممنوع السفر بود، به زور به ایران بازگردانده شد. در اوایل همان سال نیز ایرانی دیگری که برای مقابله با اخراجش به ایران به خودسوزی متوسل شده بود، در اثر جراحات سوختگی در بیمارستان جان سپرد.^{۱۱}

یکی از بی سابقه ترین رفتار خشن و غیر انسانی با پناهجویان در معرض اخراج، مورد مرد ۲۷ ساله ای بنام امیر است. بدرفتاری مقامات هلندی با او از زمانی شروع شد که فهمیدند مرگ را به بازگشت به ایران ترجیح می دهد. امیر را در ۱۷ مه ۱۹۹۶، فقط چند ساعت پس از موعد مقرر می بایست خودش را برای انجام تشریفات اخراج به پلیس اتباع خارجی معرفی می کرد، در مرکز پناهندگی دستگیر کردند. از آن پس مقامات هلندی او را در یک سری بازداشتگاه و زندان حبس کردند تا از سفارت ایران برایش مدرک مسافرت "لسه پاسه" تهیه کنند. روز بیستم ماه مه، امیر دست به اعتصاب غذا زد (افراد در اعتصاب غذا ممنوع المسافرت هستند). امیر آنگاه به اعتصاب خود ادامه داد تا بالاخره در بازداشتگاه "زوترمیر" در حالت اغما فرو رفت. سپس در بخش بیمارستان بازداشتگاه "شونینگن" به زور به او غذا خوراند و به زندان "کونینگ ویلهلم ۲" در "تیلبورگ" انتقالش دادند. امیر را چندین ماه در این زندان، که بعنوان مخوف ترین بازداشتگاه هلند شناخته شده است، نگه داشتند. شهرت مدیر این زندان در "شکستن" اراده پناهجویانی که حاضر به همکاری با مقامات هلند برای اخراج شان نیستند زبان زد بسیاری است.^{۱۲}

موضع دولت هلند نسبت به ایران از سوی سازمانهای بین المللی مثل "عفو بین الملل" و "کمیته ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان" مورد انتقاد قرار گرفته است. کمیته ایالات متحده از دولت هلند مهترانه درخواست کرده است که با توجه به شرایط آسف بار حقوق بشر در ایران و میزان بالای پذیرش درخواست پناهندگی ایرانیان در سراسر دنیا، "در بررسی درخواست پناهندگی ایرانیان نهایت دقت را بخرج دهد."^{۱۳}

گزارش رسمی وزارت امور خارجه هلند درباره ایران

دره ژوئن ۱۹۹۷، وزارت امور خارجه هلند ارزیابی خود را از وضعیت عمومی در ایران علناً منتشر کرد.^{۱۴} این گزارش، بنا به گفته خود این وزارتخانه، عمدتاً بر اساس اطلاعات داده شده از سوی سفارت هلند در تهران تهیه شده بود. ولی مدتی بعد ساختگی بودن اطلاعات مهمی که صریحاً از قول این سفارتخانه در گزارش نقل شده بود معلوم گردید. این افشاکاری باعث شد که صحت بقیه اطلاعات مندرج در این گزارش که وزارت امور خارجه در جهت توجیه اخراج پناهجویان ایرانی آورده بود نیز زیر سوال برود.

گزارش یاد شده برای توجیه اینکه می توان پناهجویانی را که درخواست پناهندگی شان مردود شده بدون هیچ ملاحظه ای به ایران بازگرداند، وقایع خاصی را در ایران توصیف می کند که به نظر آن نشانگر بهبود اوضاع، دموکراتیزه شدن شرایط سیاسی، و تقلیل سرکوب در ایران است. علاوه بر این، برای تفهیم اینکه ایرانیان بازگردانده شده با هیچ خطری مواجه نخواهند شد، گزارش تاکید می کند که سفارت هلند در تهران برنامه ای را برای "مونیتورینگ" (پیگیری و نظارت بر وضعیت بازگردانده شدگان) در ایران دنبال می کند.

ولی در واقع، هیچک از نظرات ارائه شده در این گزارش از شرایط حقوق بشر در ایران ارزش واقعی ندارند چون برای این بررسی از معیارهای کاملاً نامناسب و بی ربطی استفاده شده است. فلسفه مورد اتکای گزارش این است که مردم ایران و مردم غرب از یک جوهر انسانی واحد برخوردار نیستند. عبارت دیگر آنها به تساوی شایسته برخوردار از حقوق و آزادی های انسانی نمی باشند. گویا حقوق جهانی بشر فقط حق انحصاری و امتیاز ویژه جوامع غرب است و ایرانیان صرفاً بخاطر ملیت شان نمی بایست طالب همان حقوق و آزادی ها باشند، آزادی های بنیانی مثل آزادی عقیده، نفس، بیان، تجمع، گرایش جنسی، مذهب (که شامل لا مذهب بودن نیز می شود)، زندگی خصوصی و عدم دخالت دولت در آن، و برخورداری از حق دادرسی عادلانه.

گرچه گزارش مذکور روشن نمی کند بر چه اساسی به برخی از وقایع اهمیت می دهد و برخی دیگر را کاملاً نادیده می گیرد، در اغلب موارد با اتکاب به فلسفه نسبی گرایانه بالا در رابطه با مسائل حقوق بشر در ایران اظهار نظر می کند. یک نمونه جالب و روشن کننده، بررسی این گزارش از وضعیت زنان در ایران است. در میان چندین و چند "پیشرفت" ذکر شده در این رابطه، گزارش می گوید: «در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی منطقه، [در ایران] حضور زنان در خیابانها و مکانهای تفریحی بیشتر مشهود است. با وجود اینکه مقررات لباس (پوشیدن بدن در مکانهای عمومی) [در ایران] اجباری است، برخلاف کشورهای مثل عربستان سعودی، در خیابانهای ایران زنی که (بطور داوطلبانه) با صورت پوشیده یا برقه سستی ظاهر شود بسیار نادر است»^{۱۵}

هیچ تئوری در قوانین بین المللی وجود ندارد که از فلسفه نهفته در ملاحظات بالا دفاع کند، یعنی این که مردم یک کشور نباید از حقوق بنیانی بشری برخوردار باشند چون در کشورهای دیگر آن منطقه این حقوق شدیدتر سرکوب می شود. این حقیقت که برخی از زنان پناهجو از دولتهای اسلامی فرار می کنند را نمی توان دلیل و توجیهی دانست برای محرومیت ابدی آنها از داشتن زندگی مطابقت عقاید و نفس شخصی شان. تفسیقاتی که در بالا بدان اشاره شده است، به همان اندازه می تواند با حیثیت و اصالت زن ایرانی و افغانی و عربستان سعودی در تضاد باشد که برای زن غربی غیر قابل تحمل است.

علاوه بر این، گزارش مذکور پر است از اطلاعات بی اساس، متناقض و ساختگی. مثلاً قانون مدنی ایران بروشنی ازدواج دختران را از سن ۹ سالگی و صرفاً با توافق پدر یا جد پدری دختر مجاز می شمارد و در صورتیکه مشخص شود "به نفع دختر" است ازدواج او را قبل از ۹ سالگی هم مجاز می شمارد.^{۱۶} با این وجود، در گزارش مذکور آمده است که مقامات ایرانی ازدواج دختران جوان را غیر اسلامی می دانند و مشخصاً این جنبه "تحملی این نوع ازدواجها برای دختران" است که ←

آزادی بیسابقه



تا زمانیکه زنان را در ایران مجبور نکرده اند مثل زنان سمت راست لباس بپوشند، این برای آنها آزادی و اشاعه دموکراسی است. این واقعیت که آنها می توانند تمام این تفسیقات را تنفر آمیز و در تضاد با عقیده، نفس، و شان خود بدانند ربطی به این موضوع ندارد. این است پیام وزارت امور خارجه هلند.

► این مقامات "از بیخ و بن با آن مخالف هستند".^{۱۷} يك غفلت گزاف دیگر این گزارش مطرح نکردن این مسئله است که مقامات دولتی و غیردولتی ناقص حقوق بشر در ایران در مقابل مجازات از مصونیت برخوردارند. گزارش مذکور موارد بی شمار نقض حقوق بشری را که از سوی عوامل غیررسمی در ایران صورت می‌گیرند و از سوی دولت ایران تشویق یا تحمل می‌شوند را بکلی نادیده گرفته است. براساس چنین دلایلی، نتیجه‌گیری نهایی گزارش مبنی بر اینکه از لحاظ اصولی می‌توان پناهجویان ایرانی را به ایران بازگرداند، بوضوح بی‌پایه و غیرمنطقی است. البته با وجود تاکید مداوم گزارش بر بهبود شرایط، به این موضوع نیز اشاره شده است که وضعیت حقوق بشر در ایران هنوز موجب نگرانی است. اما با توجه به معیارهای نادرست بررسی و اطلاعات ساختگی آن نمی‌توان برای این ادعا نیز ارزشی قائل شد. اگرچه نتایج گرفته شده در این گزارش صریحاً به مجاز بودن بازگرداندن پناهجویانی که درخواست پناهندگی شان مردود گردیده مربوط می‌شود، در عمل، مخرب‌ترین عواقب آن را بایستی در "مردود" کردن درخواست پناهندگی ایرانیان برشمرد. برداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌های بی‌اساس و ساختگی وزارت امور خارجه مداوماً و وسیعاً از سوی قضات پناهندگی در هلند در بی‌پایه و اساس خواندن درخواست پناهندگی ایرانیان استفاده می‌شود.

مونیتورینگ (پیگیری و نظارت بر وضعیت بازگردانده شدگان)

از زمان لغو سیاست عدم اخراج ایرانیان، وزارتخانه‌های امور خارجه و دادگستری هلند مداوماً تاکید کرده‌اند که هیچک از افراد بازگردانده شده با مشکلی از سوی مقامات ایرانی مواجه نشده‌اند. معاون دادگستری، خام اشمیتز، حتی به اعضای پارلمان هلند گوشزد کرده است که مقامات ایرانی فعلاً نه می‌کشند تا زندگی را برای بازگردانده شدگان تا حد امکان راحت و آسوده کنند.^{۲۰}

در این رابطه، گزارش وزارت امور خارجه مجدداً، با شرح جزئیات، تأکید می‌کند که برنامه مونیتورینگ کارآیی برای بازگردانده شدگان در جریان است. به این صورت که پس از رسیدن افراد بازگردانده شده به فرودگاه مهرآباد، همیشه يك کارمند سفارت هلند در تهران به استقبالشان می‌رود و در بیشتر موارد آنها را بعداً نیز در آدرسشان ملاقات می‌کند. گزارش مذکور بار دیگر تأکید می‌کند که هیچک از ایرانیان اخراج شده پس از بازگشت به ایران مشکلی با مقامات ایران نداشته‌اند.^{۲۱}

پارلمان هلند سیاست اخراج ایرانیان را بخشاً به دلیل تصمیم‌های داده شده از سوی وزارتخانه‌های امور خارجه و دادگستری درباره برنامه مونیتورینگ، مورد تصویب قرار

داده بود. ولی پنج ماه پس از انتشار گزارش وزارت امور خارجه، يك مقام وزارت دادگستری اعتراف کرد که "مونیتورینگ عملی نیست و فقط برای جلب افکار عمومی موعظه می‌شود".^{۲۲} این افشاگری پوچی و بی‌اساس بودن ادعاهای وزارت امور خارجه را برملا ساخت.

در یکی از جلسات گفت و شنود پارلمان هلند، که بدنبال اعتراضات و انتقادات وسیع و طولانی مدت علیه سیاست اخراج ایرانیان، در ۲۰ اکتبر ۱۹۹۷ تشکیل شده بود، مدافعین پناهندگی و برخی اعضای پارلمان سرسختانه وزارتخانه‌های امور خارجه و دادگستری را راجع به این موضوع تحت فشار گذاشتند. متعاقباً، در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۷، دو وزارتخانه در گزارش کتبی مشترکی قبول کردند که سفارت هلند در تهران از يك سال پیش برنامه مونیتورینگش را متوقف ساخته است. این گزارش همچنین افشا کرد که در دسامبر ۱۹۹۶ مقامات وزارت امور خارجه ایران سفارت هلند را رسماً تهدید کرده‌اند و به این سفارت هشدار داده‌اند که مونیتورینگ دخالت در امور داخلی ایران است.^{۲۳}

توقف موقت اخراجها

دولت هلند از ۳۰ اکتبر ۱۹۹۷ تا اعلام نتیجه بررسی مجدد امن بودن شرایط ایران، کلیه اخراج‌ها را متوقف ساخت. بحث مربوط به این موضوع هنوز در پارلمان هلند ادامه دارد. از يك سواعضای پارلمان همچنان تاکید دارند که برای بازگرداندن ایرانیان باید تصمیمات بیشتری وجود داشته باشد. از سوی دیگر وزارتخانه‌های امور خارجه و دادگستری برای از سرگیری اخراج‌ها می‌خواهند اعضای پارلمان را مجاب کنند که چنین تصمیماتی اساساً ضروری نیستند.^{۲۴}

اگرچه توقف اخراج‌ها پیروزی بزرگی برای پناهجویان در خطر و مدافعین آنها است، بسیاری معتقدند که این فقط يك عقب‌نشینی موقت است و نباید آنرا تغییر مهم و ریشه‌ای در سیاست دولت هلند محسوب کرد.

مسئله اصلی چیست؟

تاحال مباحثات درون دولتی درباره پناهجویان ایرانی در هلند فقط در جهت ارائه توجیهاتی برای بازگرداندن آن عده که بعنوان پناهنده برسمیت شناخته نشده‌اند محدود بوده است. به مردود شدن درخواست این عده بعنوان امر محقق و غیر قابل تغییری برخورد می‌شود و هیچگاه سوال نمی‌شود که اصلاً چرا درخواست پناهندگی این افراد مردود شده است.

این درحالی است که آمار موجود به تنهایی نشان می‌دهد که تحقیق و مذاقه باید روی علل مربوط به میزان بغایت نازل قبولی پناهندگان ایرانی در هلند باشد. با وجود اینکه در سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۹۵، از شمار کل پناهندگان ایرانی در اروپا ۲۳٪

در هلند درخواست پناهندگی می‌کنند، فقط ۱۷٪ از ایرانیان پناهندگی می‌گیرند. درحالی که مثلاً در آلمان (که میزان ۴۳٪ از پناهجویان ایرانی بوده)، نرخ قبولی ۴۷٪ و در کل اروپا و شمال آمریکا به ترتیب ۳۶٪ و ۷۹٪ بوده است.^{۲۵}

دلیل دیگری که براساس آن باید سیاست پناهنده‌گزینی هلند نسبت به ایرانیان را زیر سوال برد، وجود تعداد بسیاری تصمیمات غیرعادلانه در مورد محتوی درخواستنامه پناهندگی ایرانیان است. چندین نمونه درخواست‌نامه پناهندگی که بی‌تردید واجد شرایط بوده ولی از سوی مقامات هلندی ناعادلانه مردود اعلام شده‌اند به اطلاع نهاد همبستگی رسیده است. در تمامی این تصمیمات، بدون استثنا، مفهوم پناهنده به شدت محدود و سطحی تعبیر شده است. از سوی دیگر، مقامات هلندی با استفاده از آزمون‌های بی‌اندازه سخت سعی می‌کنند حقانیت ادعاهای پناهجویان را زیر سوال ببرند و از این طریق نیز درخواست آنها را مردود اعلام کنند. یکی از استدلال‌های رایج که برای رد درخواست پناهجویان از آن استفاده می‌شود این است که اگر فردی در گذشته نزدیک مورد پیگرد، سرکوب و شکنجه قرار نگرفته باشد، آنگاه ترس او برای اینکه در آینده با این نوع رفتارها مواجه شود موجه نیست. مثلاً، درخواست پناهندگی زندانیان سیاسی سابق که برای مدتی در ایران زندگی کرده‌اند و مشکلی با رژیم ایران پیدا نکرده‌اند، در این چهارچوب بررسی می‌شود. اما از طرف دیگر، اگر چنین افرادی مطرح کنند که پس از آزادی از زندان همچنان به فعالیت سیاسی ادامه داده‌اند، آنگاه اظهارات آنها را باور نکردنی اعلام می‌کنند. زیرا از نقطه نظر مقامات هلندی هیچ انسان منطقی که در گذشته مورد پیگرد، سرکوب و شکنجه قرار گرفته باشد دوباره خود را با چنین مخاطراتی مواجه نمی‌سازد.

يك روش بی‌اندازه غیرعادلانه دیگر که از سوی قضات پناهندگی هلند اعمال می‌شود استفاده از اطلاعات نادرست راجع به اوضاع ایران است. بخش اعظم این اطلاعات را وزارت امور خارجه هلند فراهم می‌کند. مثلاً، مقامات هلندی ابراز می‌کنند که پخش کردن اعلامیه و شرکت در جلسات مخفی از سوی فعالین سیاسی در ایران، به غیر از مجاهدین، نمیتواند موجب ترس از پیگرد و سرکوب و شکنجه شود. آنها به گزارش وزارت امور خارجه اشاره می‌کنند که در آن گفته شده چنین فعالیتهایی در ایران به محکومیت‌های سبک می‌انجامد و بنظر نمی‌آید مورد سرکوب قرار گیرد.

بدیهی است که ضعف‌ها و اشکالات عمومی مراحل پناهنده‌گزینی در هلند نیز یکی دیگر از موانع گرفتن پناهندگی از سوی ایرانیان است. این موانع از جمله شامل روش ستیزه‌جویانه بازجویی از پناهندگان^{۲۶} و عدم تعلیق حکم اخراج با ارائه درخواست بررسی مجدد یا فرجام‌خواهی است.^{۲۷} ◀

► از این گذشته، بنظر می آید که در هلند کلاً علم و فلسفه حقوق پناهندگی رشد یافته‌ای پایه گذاری نشده است. مثلاً، بسیار تعجب آور و غیر قابل فهم است که با وجود شمار بزرگ درخواست کنندگان پناهندگی ایرانی در هلند، در این کشور هنوز دستورالعمل مدونی برای بررسی درخواست‌های پناهندگی در زمینه آزار مبتنی بر جنسیت منتشر نشده است. ۲۸ آزار مبتنی بر جنسیت عموماً در درخواست پناهندگی زنان ایرانی طرح شده‌اند. کانادا، که در نیمه اول این دهه، فقط به اندازه نصف هلند درخواست پناهندگی دریافت کرده، چنین دستورالعملی را در سال ۱۹۹۳ صادر کرده است. دستورالعمل‌های مشابهی هم در آمریکا، استرالیا، زلاند نو و سوئیس منتشر گردیده است.

اقدامات لازم

از آنجا که دولت حاکم در ایران همچنان یکی از سرکوبگرترین دولتهای موجود در دنیا است، که به هیچگونه نظارت بین‌المللی نیز ترتیب اثر نمی‌دهد، اکثریت قاطع پناهجویانی که از ایران فرار می‌کنند واجد شرایط پناهندگی طبق چهارچوب "کنوانسیون پناهندگی سازمان ملل متحد" می‌باشند و یابجای پناهندگی باید شامل اقامت انسانی طبق ماده ۳ "میثاق اروپایی حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی" بشوند. در این رابطه، میزان بسیار اندک پذیرش ایرانیان بعنوان پناهنده در هلند و شمار بسیار تصمیمات منفی غیرعادلانه در این کشور بیشترین جای نگرانی را دارد.

برای اینکه بنحو موثری با علت اساسی بحران اخراج ایرانیان در هلند مقابله کرد می‌بایست روش‌های برنامه‌ریزی شده قضاوت ناعادلانه موجود را وسیعاً مورد تحقیق قرار داد و افشا کرد. لازمه این کار شرکت فعال خود پناهجویان و وکلا و سازمانهای حقوقی است. همچنین بسیار حیاتی است که پناهجویان و مدافعین آنها در مقابل چنین تصمیمات ناعادلانه‌ای بوقع و فعالانه عکس العمل نشان دهند. در نهایت نیز، چنانچه کلیه مراحل قانونی داخلی اعتراض به حکم داده شده با عدم موفقیت مواجه شود، باید به علاجهای بین‌المللی رجوع کرد. هلند عضو "میثاق اروپایی حقوق بشر" و "قرارداد بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی" و "میثاق ضد شکنجه" سازمان ملل متحد است که همگی تمهیداتی قائل شده‌اند برای بررسی شکایات شخصی مربوط به نقض حقوق بشر از سوی افرادی که در معرض اخراج از کشورهای متعاقد قرار گرفته‌اند.

متوسل شدن به علاجهای داخلی و بین‌المللی حقوقی البته به تنهایی نمی‌تواند حفاظت و حقوقی را که دستگاه اداری و قضایی هلند ناعادلانه از پناهجویان ایرانی صلب نموده است تصمیم کند. تلاش دائمی برای ارتقا آگاهی عموم درباره نقض حقوق بشر در ایران و شرکت فعال در اعتراضات عمومی برای اصلاح

سیاست‌های پناهندگی دولت هلند همچنان بر عهده گروهها و سازمانهای محلی است.

پانویسها

۱. موقعیت انسانی به افرادی داده می‌شود که بخاطر شرایط عمومی در کشورشان (مستقل از شرایط سیاسی) منطقی‌توان از آنها انتظار داشت که به آنجا برگردند. این موقعیت همچنین به کسانی داده می‌شود که در کشورشان تجارب دردناک و شوک‌آوری داشته‌اند، مثلاً کسانی که مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و یا کسانی که اقوام نزدیک و دوستانشان کشته شده‌اند. مبنای اعطای موقعیت انسانی می‌تواند کاملاً شخصی باشد، مثلاً زمانی که متقاضی دچار شرایط روحی بحرانی باشد و نتواند در کشورش به زندگی ادامه دهد. لیکن، در عمل معلوم نیست که از چه معیارهایی برای اعطای موقعیت انسانی استفاده می‌شود. مراجعه کنید به LEGAL AND SOCIAL CONDITIONS FOR ASYLUM SEEKERS AND REFUGEES IN WESTERN EUROPEAN COUNTRIES.

۱. شورای دانمارکی پناهندگان، ژانویه ۱۹۹۷.
۲. Migration News Sheet، اکتبر ۱۹۹۰. بدنال اصلاح قوانین مربوط به خارجیان در ژانویه ۱۹۹۴، بجای "موقعیت تحمل اجباری" اجازه اقامت موقت دیگری ایجاد شد (voorwaardelijke vergunning totverblijf).
- این اجازه اقامت موقت در صورتی داده می‌شود که "بازگرداندن اجباری فرد خارجی به کشور مبدأش بخاطر شرایط عمومی آن کشور موجب سختی بی‌اندازه برای او شود". برای صدور این اقامت، درخواست پناهندگی فرد متقاضی باید برای همیشه پس گرفته شود. اجازه اقامت موقت یک ساله صادر می‌شود و قابل تمدید است. اگر در طی سه سال اول اقامت متقاضی موانعی که برای اخراج او وجود داشته‌اند برطرف شوند، اجازه اقامت لغو می‌گردد. اما، پس از سه سال اقامت دائم در هلند، فردی که به او اجازه اقامت موقت داده شده می‌تواند اقامت دائم بگیرد. در حال حاضر، اجازه اقامت موقت به متقاضیان بوزنیایی، عراقی، افغانی و برخی از افراد سودانی داده می‌شود. مراجعه کنید به منبع پانویس ۱، شورای دانمارکی پناهندگان، ژانویه ۱۹۹۷.
۳. Migration News Sheet، نوامبر ۱۹۹۴.
۴. Migration News Sheet، دسامبر ۱۹۹۰.
۵. Algemeen Nederlands Persbureau، ANP English News Bulletin، نوامبر ۱۹۹۰.
۶. کمیته ایالات متحده آمریکا، World Refugee Survey 1997.
۷. ANP English News Bulletin، ۲۰ مه ۱۹۹۶.
۸. N.R.C.، ۱۸ اوت ۱۹۹۷ (ترجمه فارسی از سازمان پناهنده).

۹. خبرگزاری فرانسه، ۱۵ اوت ۱۹۹۷.
۱۰. احمد پوری، سازمان پناهنده، Give asylum seekers the opportunity to organize.
۱۱. ANP English News Bulletin، ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶.
۱۲. بازداشتگاه ویلم ۲ مشهور است به اینکه موافق کار بردگی است، برای تشبیه زندانیان آنها را به افراط در سلولها و قفس‌های انفرادی محبوس می‌سازد و آنها را ممنوع الملاقات می‌سازد. و بطور مداوم پناهندگان و مهاجرین فاقد مدرک قانونی را مورد تبعیض قرار می‌دهد. در این باره گزارشات بسیاری وجود دارد، از جمله: The European، آوریل ۱۹۹۶، The Guardian، آوریل ۱۹۹۶، Al Hayat International، مه ۱۹۹۶، US Industrial Workers Journal، سپتامبر ۱۹۹۶ و چندین نشریه هلندی مثل: Dagblad Brabants و Vrij Nederland مندرج در درخواست کمک انسانی تحت عنوان: IRANIAN ASYLUM APPLICANT-PROTRACTED INTERNMENT IN PUNISHMENT/ ISOLATION UNIT IN THE NETHERLANDS IS NOW A SUICIDE RISK، آوریل ۱۹۹۶، پست‌الکترونیکی، E.G.Schwienbacher، لاهه، ۱۲ اکتبر ۱۹۹۶.
۱۳. پانویس ۶.
۱۴. وزارت امور خارجه هلند، بخش مربوط به جابجایی افراد، مهاجرت و امور سفارتخانه‌ها، به وزارت دادگستری، اداره تابعیت و مهاجرت، موضوع: شرایط عمومی در ایران، ۵ ژوئن ۱۹۹۷. تمام موضوعات نقل شده از این گزارش از ترجمه انگلیسی آن، که از کمیته ایالات متحده برای پناهندگان دریافت گردیده، برگرفته شده است.
۱۵. پانویس ۱۴، ص ۱۷.
۱۶. مراجعه کنید به سیمپاکراند، The Legal Status of Women in Iran، کتاب Storm، ویراستاری Afkhami & Friedl.
۱۷. پانویس ۱۴، ص ۱۹.
۱۸. پانویس ۱۴، ص ۲۳.
۱۹. پانویس ۱۴، ص ۱۳.
۲۰. پانویس ۷.
۲۱. پانویس ۱۴، ص ۲۲.
۲۲. این موضوع اولین بار در جلسه‌ای که از سوی دوسازمان پناهندگی پناهنده و اسکیا در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۷ برگزار شده بود افشا گردید. در آن جلسه آقای پ. فان کریکن، نماینده عالی رتبه اداره تابعیت و مهاجرت هلند، خطاب به یک جمعیت صد نفری گفت که مونیتورینگ برای افراد بازگردانده شده به ایران فقط به منظور ارائه به افکار عمومی مردم و مطبوعات گفته می‌شود و پایه و اساس عملی ندارد. مراجعه کنید به روزنامه De Volkskrant، ۱۸ اکتبر ۱۹۹۷ و Trouw، ۴ نوامبر ۱۹۹۷ (ترجمه فارسی از سازمان پناهنده).

تفاهم دستانه ای بین م.آ.ر. و دولت انگلستان در رابطه با شکایت تسلیم شده به کمیسیون اروپا، که در شماره تابستان/پائیز ۱۹۹۷ این بولتن به اطلاع شما رساندیم، بدست آمده است..

دادخواست م.آ.ر. علیه پادشاهی انگلستان به تفاهم دوستانه می انجامد

استدلال کرد که هیچ نوع شواهد و مدارکی مبنی بر اینکه م.آ.ر. به طریقی که ادعا کرده در ایران بازداشت یا محاکمه شود وجود ندارد، و اینکه در هر حال، بخاطر عدم وجود هر نوع همکاری در زمینه مراحل دادرسی جزایی بین انگلستان و ایران، این شکایات شامل مسئولیتهایی که دولت انگلستان طبق کنوانسیون ملزم به اجرای آنهاست نمی شود.

در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۷، کمیسیون برای تصمیم گیری روی محتوا و قابل پذیرش بودن دادخواست م.آ.ر. علیه دولت انگلستان جلسه دادرسی تشکیل داد. پس از بحث و تبادل نظر بیشتر کمیسیون به این نتیجه رسید که دادخواست م.آ.ر. مسائلی را در رابطه با حقایق و قوانین مطرح می کنند که بخاطر پیچیدگی شان تصمیم گیری روی آنها را باید موکول به بررسی محتویات دادخواست کرد. در نتیجه، کمیسیون بدون قضاوت روی محتوای دادخواست م.آ.ر.، آنرا پذیرفتنی اعلام کرد.

پس از این تصمیم، طبق بندهای آ و ب ماده ۲۸ کنوانسیون، کمیسیون به بررسی بیشتر دادخواست ادامه داد در حالیکه همزمان خود را در اختیار طرفین ذیفع برای رسیدن به تفاهم دوستانه نیز قرار داد. دولت انگلستان قبل از آوریل ۱۹۹۷ خطوط کلی پیشنهاد خود را برای تفاهم دوستانه مشخص کرد. در ماه اوت م.آ.ر. اعلام کرد که بر روی موارد زیر تفاهم دوستانه ای بین او و دولت بدست آمده است: ۱. به او اجازه اقامت نامحدود داده شود. ۲. به او اجازه داده شود که از وزارت کشور درخواست پاسپورت کند. ۳. دولت مبلغ مناسبی را برای مخارج حقوقی ناشی از دادخواستش به کمیسیون پرداخت کند. نتیجتاً در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۷، کمیسیون در رابطه با این دادخواست اعلام داشت که تفاهم دوستانه ای "بر اساس رعایت حقوق بشر تصریح شده در کنوانسیون" بدست آمده است.

این تفاهم دوستانه مانع از اظهار نظر کمیسیون راجع به آنکه آیا حقایق دادخواست م.آ.ر. نقض کنوانسیون را ثابت می کند شد. چنین نظری فقط زمانی داده می شود که طرفین به تفاهم دوستانه نرسند. اگر کمیسیون ملزم به ابراز نظر شود، آنرا برای تصمیم گیری نهایی به کمیته وزرا می فرستند، مگر اینکه شکایت به دادگاه حقوق بشر اروپا ارجاع شود.

البته واضح است که ابراز نظر هر کدام از ارگانهای حقوق بشر شورای اروپا در زمینه نقض کنوانسیون تأثیر بر اثبات بیشتری می داشت چرا که می توانست بنایی باشد برای دفاع از موارد مشابه. با این وجود، تفاهم دوستانه بین م.آ.ر. و دولت انگلستان نشان داد که تا چه اندازه يك شکایت مستدل به تریونالهای بین المللی و تبلیغات منفی ناشی از آن علیه دولت مدعی علیه می تواند آن دولت را وادار به تجدید نظر نسبت به تصمیم اولیه اش کند. ■

تفاهم دوستانه ای بین م.آ.ر. و دولت انگلستان در رابطه با شکایت تسلیم شده به کمیسیون اروپا، که در شماره تابستان/پائیز ۱۹۹۷ این بولتن به اطلاع شما رساندیم، بدست آمده است.. م.آ.ر. که ایرانی است در سال ۱۹۸۲ در انگلستان پناهنده گی گرفته است. لیکن پس از چند تخلف مربوط به مواد مخدر دستور اخراج وی از انگلستان صادر شده است. او آخرین بار در سال ۱۹۸۸ محکوم به ده سال زندان و در سال ۱۹۹۳ شامل عفو شده است. چند ماه پس از آزادی وزارت کشور انگلستان حکم اخراج او را صادر کرد. پس از چندین مرحله فرجام خواهی ناموفق، بالاخره دستور العملی برای اخراج او در روز ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۵ صادر شد. در ژوئن ۱۹۹۵، م.آ.ر. شکایتی علیه دولت انگلستان به کمیسیون حقوق بشر اروپا تسلیم کرد. متعاقب این شکایت دولت انگلستان پذیرفت که او را تا بررسی کامل شکایتش توسط کمیسیون اخراج نکند.

م.آ.ر. در شکایتش مدعی شد که بازگرداندن وی به ایران نقض ماده ۲ (حق زندگی)، ماده ۳ (ممنوعیت شکنجه)، ماده ۵ (آزادی و امنیت)، و ماده ۶ (حق برخورداری از دادرسی عادلانه) کنوانسیون حقوق بشر اروپا خواهد بود. او بیان داشت که با در نظر گرفتن فعالیت های سیاسی اش علیه رژیم ایران، پناهنده گی اش به انگلستان، و بالاخره این واقعیت که مبارزه سفت و سختی علیه مواد مخدر در ایران دنبال می شود، در صورت بازگشت به ایران وی در خطر برخوردی مغایر با ماده های ذکر شده خواهد بود. م.آ.ر. برای اثبات ادعایش مدارک مختلفی از جمله نامه هایی از سازمان عفو بین الملل به کمیسیون ارائه نمود.

سازمان عفو بین الملل در تمام مراحل حقوقی مربوط به اخراج م.آ.ر. سر این موضع ایستاد که مسئله پیگرد، بازداشت و زندانی شدن برای افرادی که برای مدت طولانی خارج از ایران بسر برده اند و سپس بازمی گردند "خطر کاملاً آشکاری است". سازمان عفو بین الملل همچنین بر این عقیده اصرار ورزید که برای آن عده که پس از محکومیت در خارج بخاطر جرایم مربوط به مواد مخدر به ایران بازگردانده می شوند، این احتمال که با محاکمه و مجازات مجددی مواجه شوند را نمیتوان منتهی دانست.

دولت انگلستان ادعاهای م.آ.ر. را مردود دانست و ابراز کرد که او نشان نداده است که در صورت اعاده اش به ایران بخاطر محکومیت مربوط به مواد مخدر و غیبت طولانی مدت از ایران بعنوان پناهنده وی با رفتاری مغایر با ماده های ۲ و ۳ کنوانسیون مواجه خواهد شد. در این جدل دولت بر این ادعا تأکید ورزید که از زمانیکه به م.آ.ر. پناهنده گی داده شده، شرایط در ایران "بسیار قابل ملاحظه ای بهبود یافته است". در رابطه با ماده های ۵ و ۶ نیز، دولت اینطور

► uitgeproceede Iraanse asielzoeker. ۲۳. Staten-Generaal, Monitoring van teruggekeerde. Aan de Voorzitter van de Tweede kamer der ۱۳۰. ۱۹۹۷، ۳۴۸۴۷۹۴-۰۷. دپس/آم-۳۸۶/۹۷. ۲۴. همانجا.

۲۵. کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد. ۳ ژوئن ۱۹۹۷، REFworld 1998 CD ROM.

۲۶. بدنبال تحقیقات انجام شده در رابطه با شمار بسیاری شکایت از درخواست کنندگان پناهنده گی، گزارش رسمی در دسامبر ۱۹۹۶ از سوی يك مأمور رسیدگی تهیه می شود. این گزارش

اوتوماتیک حکم اخراج پناهجو را که از سوی دادگستری صادر شده معوق نمی کند. در صورتی که دادگستری با تعلیق اخراج موافقت نکند پناهجو می تواند از رئیس دادگاه آن منطقه درخواست به تعویق انداختن حکم اخراج را بکند. ولی تصمیم رئیس دادگاه قابل فرجام خواهی نیست. مراجعه کنید به پانوش ۱، شورای انارکی پناهندگان، ژانویه ۱۹۹۷. ۲۸. همانطور که نماینده هلند در سمپوزیوم "آزار مبتنی بر جنسیت"، ۲۲-۲۳ فوریه ۱۹۹۶ در ژنو، اشاره کرده است، تنها پیشرفت حاصل شده در هلند در زمینه درخواست های پناهنده گی مربوط به آزار مبتنی بر جنسیت استفاده از مصاحبه گران و مترجمین زن است. IJRL، شماره ویژه-پائیز ۱۹۹۷. ■

مشخصاً کارمندان اداره تابعیت و مهاجرت را مورد انتقاد قرار می دهد. مأمور رسیدگی تحقیقاتش را بویژه روی روال مصاحبه ها متمرکز می کند و نتیجه می گیرد که این اداره همیشه پناهجویان را از هدف مصاحبه ها باخبر نمی کند و به آنها اجازه نمی دهد بطور کافی و مناسب راجع به علل پناهنده گی شان صحبت کنند. کمیته ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان، Refugee Survey 1997. این موضوع را شورای هلندی پناهندگان نیز مورد تأیید قرار داده است. مراجعه کنید به روزنامه Dagblad Linburgs، ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۷ (ترجمه فارسی از سازمان پرایم). ۲۷. درخواست بررسی مجدد پرونده پناهنده گی با فرجام خواهی بطور

کمیته ضد شکنجه ملل متحد به آزمون‌های سخت‌گیرانه حقانیت پناهجویان اعتراض می‌کند، دادخواست ت. علیه سوئد و آ. علیه سوئیس

از داجو آبادی

پرونده‌اش مشکوک و بی‌اعتماد. اثرات مخرب و جبران ناپذیر رأی منفی نسبت به حقانیت پناهجو ایجاب می‌کند که این ارزیابی مسئولانه و منطقی انجام شود. بحث و بررسی تمام عوامل دخیل در اجرای آزمون‌های حقانیت پناهجو در حیطه این مقاله نمی‌گنجد. اما رهنمودهای کلی قاضیان پناهنده را ملزم می‌کند که فقط اظهارات واقعاً مرتبط به پرونده را مورد داوری قرار دهند و در نتیجه‌گیری خود همه شواهد را در نظر بگیرند. در صورت نتیجه منفی، حکم ارائه شده باید حتماً بوضوح و مشروحاً شامل دلایل نتیجه‌گیری باشد.

احکام منفی که اخیراً در مورد اعطای پناهنده‌گی ارائه شده‌اند نشان می‌دهند که دولتها بیش از پیش از ضوابط قابل قبول دور شده‌اند تا بهتر سیاست‌های ضد مهاجرتی خود را پیاده کنند. مثلاً در این زمینه دولت سوئد بخاطر گذاشتن بار سنگین و نامعقول به دوش پناهجویان برای اثبات ادعاهایشان شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است. مقامات سوئد معروفند به اینکه هر گاه پناهجویی سعی کند پس از مصاحبه اولیه‌اش حتی به جزئی‌ترین شکلی گفته‌هایش را تکمیل یا عوض کند او را مردود کنند. آنها همچنین نسبت به پناهجویانی که بعداً در مورد برداشته‌ها و استنتاجات نادرست از گفته‌های‌شان سعی در روشنگری کنند بسیار مشکوک می‌شوند.^۳

لیکن کمیته ضد شکنجه، که مسئول تعیین رعایت و اجرای میثاق ضد شکنجه و دیگر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز [از این پس میثاق]^۴ توسط دولتهای متعاقد است، عکس‌العمل متفاوتی نشان داده است. این کمیته راه حل منطقی‌تر و مسئولانه‌تری برای ارزیابی حقانیت پناهجویان که درخواست‌هایشان در مراحل دادرسی اداری و

در دو دادخواست ت. علیه سوئد^۱ و آ. علیه سوئیس^۲، کمیته ضد شکنجه ملل متحد [از این پس "کمیته"] شکایت دو پناهجوی ایرانی را می‌پذیرد زیرا این دولتها با سخت‌گیری بیش از اندازه‌ای حقانیت (credibility) ادعاهای آنها را مورد بررسی قرار داده بودند. برای تعیین اینکه آیا فرد درخواست‌کننده پناهنده‌گی [پناهجو] واجد شرایط است، یعنی طبق تعریف میثاق پناهنده‌گی ملل متحد ترس او از پیگرد و سرکوب و شکنجه در کشورش موجه است، قاضی پناهنده‌گی باید ابتدا مشخص کند آیا اظهارات او باورکردنی هستند یا خیر. برای مشخص کردن این موضوع قاضی باید حقانیت پناهجو و همچنین هر نوع مدرک کفی موجود را ارزیابی کند.

اینکه پناهندگان فراری از پیگرد و سرکوب و شکنجه بندرت قادرند با مدارکی مثل حکم جلب، برگه‌های مربوط به زندان، حکم دادگاه و گزارشات جرایم راجع به دستگیری‌شان ادعای خود را ثابت کنند مورد قبول عموم است. در نتیجه، قاضی پناهنده‌گی باید اغلب به گفته‌ها و رفتارهای خود پناهجو به تنهائی اتکا کند. در صورتی که هیچ سند و مدرک دیگری وجود نداشته باشد، نتیجه بررسی پرونده پناهنده منحصراً به یافته‌های قاضی در زمینه حقانیت ادعاهای پناهجو بستگی خواهد داشت.

شهادت پناهجو به تنهائی می‌تواند جوابگوی این آزمون باشد بشرطی که باورکردنی و منسجم و از جزئیات کافی برای اثبات حقانیت ادعا برخوردار باشد. اما باید این را نیز در نظر داشت که در هر حال ارزیابی حقانیت پناهجو کاری بسیار دشوار است زیرا که در این ارزیابی قاضی باید با مسائل فرا-فرهنگی و مشکلات ترجمه از زبانی به زبانی دیگر درگیر شود، آنهم در شرایطی که پناهجو احتمالاً دچار شوک روحی است و نسبت به مراحل بررسی

کنوانسیون ضد شکنجه ملل متحد

دائمی از نقض فاحش و گسترده حقوق بشر در کشور مربوطه را در نظر بگیرند. شکنجه در ماده ۱ میثاق تعریف شده و هر گونه عملی را که عمدتاً یا ناخواسته باعث رنج و عذاب جسمی یا روحی شود را در بر می‌گیرد، برای این منظور که از فرد مربوطه راجع به خودش یا شخص سوم اطلاعات یا اعترافاتی گرفته شود، یا برای تشبیه فرد بخاطر اعمالی که او یا شخص سومی مرتکب شده یا مشکوک به ارتکاب آنها است، یا برای ترساندن یا تحت فشار گذاشتن او یا شخص سومی، یا بدلیلی که اساسش نوعی تبعیض باشد، و زمانی که این رنج و عذاب به تحریک یا با توافق یا با آگاهی مقامات رسمی یا افرادی که در ظرفیت رسمی عمل می‌کنند صورت گرفته باشد. این تعریف شامل رنج و عذابی که از مجازات‌های قانونی بطور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی می‌شوند و یا جز لاینفک آنها هستند نمی‌شود.

بعنوان یکی از جدیدترین مکانیسم‌های ایجاد شده در سازمان ملل برای رسیدگی به شکایات‌های مربوط به حقوق بشر، حجم شکایات رسیده به این کمیته هنوز نسبتاً سبک است (کمتر از ۱۰۰ مورد). اما جالب توجه است که اغلب شکایات رسیده مربوط به پناهنده‌گی و اخراج افراد از کشورها بنظر می‌رسند. تا کنون کمیته درباره حدود دوازده مورد این چنینی تصمیم‌گیری کرده است. در هفت مورد از آنها رأی داده است که دولتهای متعاقد میثاق را نقض کرده‌اند. ■

میثاق ضد شکنجه و دیگر رفتارها یا تشبیهات بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز [میثاق] در سال ۱۹۸۴ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور ایجاد معیارهای لازم الاجرا برای منع شکنجه در سطح جهانی تدوین شد. کمیته ضد شکنجه ارگان نظارت‌کننده بر رعایت و اجرای این میثاق است. همانند دیگر ارگانهای بین‌المللی حقوق بشر، میثاق حق مراجعه افراد به کمیته برای ارائه شکایات شخصی را برسمیت می‌شناسد.

در مواردی که مسئله اخراج فرد به کشور موطنش مطرح است، کمیته باید طبق ماده ۳ میثاق تصمیم‌گیری کند و نظر بدهد که آیا دلایل اساسی و محکمی برای اینکه شاکس پس از بازگشت به کشور مربوطه با خطر شکنجه مواجه خواهد شد وجود دارند یا خیر.

ماده ۳ میثاق بیان می‌کند که:

- هیچ دولت متعاهدی نباید فردی را بزور به کشور دیگری بازگرداند یا اخراج کند چنانچه دلایل اساسی و محکمی وجود داشته باشد که در آنجا آن فرد شکنجه خواهد شد.
- برای تعیین اینکه آیا چنین دلایلی وجود دارند یا خیر، مقامات صلاحیتدار باید کلیه شرایط مربوطه، از جمله، آنجا که عملی باشد، وجود الگویی پایدار و

نحوه ارائه شکایات فردی به کمیته ضد شکنجه ملل متحد

ماده ۲۲ میثاق ضد شکنجه و دیگر رفتارها یا تنبیهات بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز تمهیداتی را قائل شده است که به موجب آن کمیته ضد شکنجه ملل متحد می‌تواند به شکایات (مکاتبات communications) انفرادی نیز رسیدگی کند. برای اینکه کمیته بتواند به شکایاتی علیه دولت متعاهدی رسیدگی کند، آن دولت متعاهد باید طبق ماده ۲۲ میثاق صریحاً صلاحیت کمیته را در این امر برسمیت شناخته باشد. سی و نه کشور از میان ۱۰۲ کشوری که به این میثاق ملحق شده‌اند و یا آنرا تصویب کرده‌اند، صلاحیت کمیته را در این رابطه برسمیت شناخته‌اند.

هر فرد که مدعی است قربانی نقض مواد میثاق از سوی دولت متعاهدی شده است می‌تواند به کمیته شکایت کند. اگر خود مدعی در موقعیتی نباشد که بتواند شکایتش را تسلیم کند، افراد فامیل و یا نمایندگان از سوی او می‌توانند به این امر مبادرت کنند. کمیته الگویی برای ارائه شکایات منتشر کرده است.

برای اینکه کمیته بتواند به شکایاتی رسیدگی کند، شکایت باید با ضوابط پذیرش کمیته مطابقت داشته باشد. این ضوابط شامل موارد ذیل اند: شاکی نباید ناشناس باشد، شکایت نباید بر اساس استفاده غیر مجاز از حق ارائه شکایت صورت گرفته باشد و یا توسط تریبون بین‌المللی دیگری بررسی شده باشد. از این گذشته، حتی مراجعه به کمیته منوط به این است که فرد شاکی قبلاً از کلیه راه‌ها و ابزارهای قانونی داخلی برای احقاق حق خود استفاده کرده و پاسخ منفی گرفته باشد، مگر آنکه راه‌ها و وسایل مذکور بنحو نامعقولی طولانی باشند و یا اینکه امکان احقاق حقوق شاکی از طریق آنها بعید باشد. شکایتی را که بر اساس عدم استفاده از راه‌ها و ابزارهای قانونی داخلی ناپذیرفتنی اعلام شود می‌توان در زمان دیگری مجدداً تسلیم کمیته کرد. در هر مرحله از بررسی شکایت اگر تشخیص کمیته این باشد که شکایت درست و صادقانه است، کمیته می‌تواند از دولت متعاهد درخواست کند از اقداماتی علیه شاکی که عواقب جبران‌ناپذیری دارند خودداری ورزد. در مورد شکایات مربوط به خطر اخراج، کمیته می‌تواند از دولت متعاهد بخواهد تا زمانی که شکایت تحت بررسی است از اخراج شاکی خودداری کند.

زمانی که شکایاتی پذیرفتنی اعلام شود، تصمیم مربوطه و کلیه مکاتبات شاکی به کشور متعاهد فرستاده می‌شوند و به آن کشور شش ماه فرصت داده می‌شود تا جواب خود را به کمیته ارسال کند. کمیته می‌تواند گروه کاری مرکب از حداکثر پنج عضو تشکیل دهد تا کمیته را در بررسی شکایت یاری کند. کمیته همچنین می‌تواند از طرفین دعوی برای روشنگری و پاسخ به سوالات برای شرکت در جلسه‌ای دعوت بعمل آورد. کلیه مراحل بررسی شکایات فردی محرمانه هستند.

بررسی شکایات با ارسال نظرات نهایی کمیته به شاکی و دولت مربوطه اختتام می‌یابد. از دولت مربوطه دعوت خواهد شد که در مدت مقتضی کمیته را از اقداماتی که مطابق نظرات کمیته اتخاذ نموده مطلع سازد.

در مواردی که شکایت مربوط به اخراج پناهجویان مردودی است، حکم کمیته مبنی بر نقض ماده ۳ میثاق دولت متعاهد را ملزم به تجدیدنظر در اعطای پناهندگی به شاکی نمی‌کند بلکه فقط عدم اخراج را الزام‌آور اعلام می‌کند. از این گذشته، برخلاف سیستم حقوق بشر اروپایی و همانند دیگر ارگانه‌های سازمان ملل متحد، تصمیمات کمیته لازم‌الاجرا نیستند. لیکن، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند تا آنجا که دولتهای متعاهد به تعهداتشان و اجرای آنها توجه نشان بدهند این گونه تصمیمات می‌توانند بطور موزونی به اندازه تصمیمات لازم‌الاجرا موثر باشند. ■

► قضایی داخلی مردود شناخته شده ارائه داده است. میثاق به پناهجو اجازه می‌دهد علیه حکم اخراجش از کشور پناهندگی به کمیته شکایت کند. [مراجعه کنید به ستون مقابل] بقیه این مقاله به استدلالات کمیته در اعتراض به احکام دولتهای سوئد و سویس نسبت به درخواست‌های پناهندگی ت. و آ. اختصاص دارد.

دادخواست ت. علیه سوئد

آقای ت. در ژوئیه ۱۹۹۰ در سوئد درخواست پناهندگی کرد. هیئت مهاجرت سوئد در نوامبر ۱۹۹۰ به درخواست او جواب منفی داد و دستور اخراجش را صادر کرد. ت. به هیئت فرجام‌خواهی اتباع خارجی مراجعه کرد ولی این هیئت نیز در ژوئیه ۱۹۹۲ به فرجام‌خواهی اش پاسخ منفی داد. او سپس درخواست پناهندگی دیگری به هیئت مهاجرت تسلیم نمود که آنهم با جواب منفی روبرو شد. فرجام‌خواهی دوم ت. نیز در سال ۱۹۹۵ با پاسخ منفی مواجه شد. در این زمان ت. شکایتی به کمیته فرستاد. مقامات سوئدی نتیجه‌گیری کردند که ادعاهای ت. باورکردنی نیستند چون اظهارات او در جریان دادرسی مربوط به پناهندگی و فرجام‌خواهی ناهمگون و نامسجم بوده است. این ناهمگونی‌ها، آنطور که در نقطه نظرات کمیته آمده‌اند، شامل موارد زیر می‌شوند:

■ زمانی که ت. وارد سوئد شد و درخواست پناهندگی داد به پلیس بازجو گفته بود که پاسپورت ندارد و از ایران به ترکیه و سپس به سوئد آمده است. حال آنکه مدتی بعد معلوم شده است که او از یک پاسپورت جعلی اسپانیایی استفاده کرده و از راه کپنهاگ به سوئد وارد شده.

■ ت. در مصاحبه اولش به پلیس گفته است که سیاسی نبوده و فقط زمان سربازی قدری تبلیغات برای سلطنت طلبان کرده. ولی بعدها، در سپتامبر ۱۹۹۰، که دوباره از سوی پلیس بازجویی می‌شود گفته است که با سازمان مجاهدین فعالیت داشته. در این مصاحبه ت. باز هم چیزی راجع به زندان و شکنجه و آزادی از زندان اش نگفته است.

■ در نوامبر ۱۹۹۰ پس از اینکه هیئت مهاجرت سوئد به درخواست پناهندگی ت. جواب منفی می‌دهد، او وکیل جدیدی اختیار می‌کند. وکیلی که برخلاف وکیل قبلی اعتماد ت. را جلب می‌کند. در مرحله فرجام‌خواهی ت. بالاخره تمام پیشینه واقعی خود را به مقامات مربوطه ارائه می‌دهد. این بار او شهادت می‌دهد که زمانی که در زندان بسر می‌برده تحت شکنجه قرار گرفته و مدرک پزشکی هم در این رابطه ارائه می‌کند. با این وجود هیئت فرجام‌خواهی درخواست تجدیدنظر ت. را در ژوئیه ۱۹۹۲ رد می‌کند و حکم می‌دهد که شهادتهای ت. بخاطر اینکه عوض شده‌اند قابل باور نیستند.

■ در درخواست پناهندگی جدیدی که ت. به هیئت مهاجرت ارائه کرده و در مرحله فرجام‌خواهی این درخواست، ت. توضیح داده است که تناقضات پیش آمده بخاطر سوتفاهمات بین او و وکیل اولش بوده.

■ در آخرین مرحله، ت. مدرک تازه‌ای از مرکز بازماندگان شکنجه و شوک روحی در استکهلم به هیئت فرجام‌خواهی ارائه کرده است. در این گزارش نوشته شده که زخمها و علائم موجود روی بدن ت. با ادعایش که تحت شکنجه قرار گرفته همچوانی دارد و ت. دچار اختلال روحی پس از شوک است. اما هیئت مذکور فقط به این نکته از مدرک جدید توجه می‌کند که ت. در توضیح اینکه جراحاتش چگونه وارد شده‌اند به دکترهای آن مرکز تناقض گویی کرده و بر این اساس نتیجه‌گیری می‌کند که این جراحات بر اثر شکنجه وارد نشده‌اند.

همانطور که ت. خودش اذعان دارد، در تمام مراحل بررسی پرونده اش ناهمگونی وجود دارد. اما سوال مهم این است که آیا مقامات سوئد در بکار بردن یک آزمون سطحی که ◀

► فقط ناهمگونی های دادخواست را بر می شمارد، آنهم بدون توجه به شرایط ویژه پناهجو، محق اند یا خیر؟ و اینکه آیا ناهمگونی های موجود در پرونده ت. جایگاه و اهمیت بسزایی دارند یا خیر؟

کمیته در این رابطه پس از بررسی تمام موارد پرونده بطور موجز می گوید:⁶

«دقت و درستی کامل را باید بندرت از قربانیان شکنجه انتظار داشت» [تاکید از ماست]

کمیته ارزشی برای ناهمگونی های موجود در پرونده ت. قائل نمی شود و اظهار می دارد که آنها:⁷

«صدافت و حقانیت کلی ادعاهای او را مورد شک و تردید قرار نمی دهند، خصوصاً بخاطر اینکه مشخص شده است که شاکی دچار اختلال روحی پس از شوک است.» [تاکید از ماست]

بالاخره نیز کمیته نتیجه گیری می کند که اعتبار مدرک پزشکی ارائه شده بیشتر از ناهمگونی های توضیحات ت. در مورد نحوه اعمال شکنجه است.

دادخواست آ. علیه سویس

آقای آ. در ماه مه ۱۹۹۰ در سویس درخواست پناهندگی کرد. درخواست او در ماه اوت ۱۹۹۲ از سوی اداره فدرال پناهندگان مردود شد. این اداره داستان آ. را پُر از ناهمگونی و باور نکردنی اعلام می کند. کمیسیون فرجام خواهی نیز در ژانویه ۱۹۹۳ به درخواست تجدیدنظر آ. جواب منفی داد. در ماه آوریل ۱۹۹۳، آ. بر اساس فعالیت های او در سویس با سازمانی بنام Armenian and Persian Aid Organization "آپهو" که در ایران غیر قانونی قلمداد می شود، درخواست بررسی مجدد پرونده اش را می کند. ولی اداره فدرال پناهندگان در ماه مه ۱۹۹۳ به این درخواست هم جواب منفی می دهد.

در ماه اوت ۱۹۹۴، کمیسیون فرجام خواهی نیز حکم بر بی اساس بودن درخواست جدید آ. می دهد. ماده ۸ س (آ) مقررات پناهندگی سویس چنین مواردی را "علل ذهنی" و نامربوط به مسائل پناهندگی قلمداد می کند. بدنبال این تصمیم، پلیس برای انجام مقدمات خروج آ. از سویس با او تماس می گیرد. آ. متعاقباً در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ شکایتی تسلیم کمیته می کند. دولت سویس در پاسخ خود به این شکایت از کمیته می خواهد که شکایت را غیر قابل پذیرش اعلام کند چون هر پناهجویی که به "علل ذهنی" متوسل می شود می تواند بر اساس ملاحظات انسانی در سویس بماند (مقررات پناهندگی، ماده ۱۸، پاراگراف ۱). کمیته در شانزدهمین نشست خود تصمیم گرفت که بررسی پرونده آ. را تا مشخص شدن نتیجه درخواست بررسی مجدد پرونده اش (برای کسب اقامت موقت) از سوی مقامات سویس بر مبنای فعالیت های سیاسی اش در سویس به تعویق باندازد. کمیته مجدداً بررسی خود را در اوت ۱۹۹۶ از سر گرفت.

همانطور که در نظرات کمیته منعکس است، مقامات سویس بخش نخستین پرونده آ. - یعنی فعالیت های سیاسی او با سازمان مجاهدین در ایران، دستگیری و زندانی شدنش به مدت ۲۵ روز در سال ۱۹۸۱، و در سال ۱۹۸۳ برای دو سال، و ادعایش مبنی بر اینکه در سال ۱۹۸۹ نیز فعالیت های سال ۱۹۸۲ اش لو می رود - را "غیر منطقی"، "کاملاً نامعقول"، "غیر قابل اثبات" و "مغایر با واقعیات" خوانده اند. از جمله مواردی که بر اساس آنها این نتایج درباره آ. بدست آمده می توان موارد ذیل را نام برد:

■ آگاهی آ. از جنبه های مهم برنامه های مجاهدین خیلی سطحی بوده است.

■ او نتوانسته هیچ نوع سند و مدرکی در رابطه با فعالیت های سیاسی اش با مجاهدین یا هیچ نوع گواهی پزشکی که تصدیق کند با رفتاری مغایر میثاق مواجه بوده ارائه کند.

■ در روز دادگاه در برابر دفتر فدرال پناهندگی همسرش نیز نتوانسته اظهارات او را

تصدیق کند.

■ این ادعای او که فقط دو سال زندانی شده چون قاضی بخاطر نسبتش با پیغمبر برایش تخفیف قائل شده، با اطلاعاتی که مقامات سویس طی مراحل دادرسی پناهندگی راجع به مجاهدین جمع کرده اند تضاد دارد.

بر اساس چنین فرضیاتی، دولت سویس اعلام می دارد که آ. نتوانسته نشان دهد "در فعالیت های سیاسی مورد بحث شرکت داشته و عضو سازمانی مخالف رژیم سیاسی حاکم بوده است" و، در نتیجه، دولت نمی تواند ادعای او مبنی بر مواجه شدن با رفتار غیر انسانی در صورت بازگشت به ایران را جدی بگیرد.

بخش دوم دادخواست آ. که مربوط به فعالیت های او در کشور سویس است نیز از سوی دولت سویس مردود اعلام می شود. زیرا که او "نتوانسته ثابت کند" که "به احتمال زیاد هویتش نزد مقامات ایران فاش شده است". در این رابطه دولت سویس به این موضوع اشاره می کند که اطلاعات جمع آوری شده توسط پلیس در مورد دو اتفاق در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ که آ. ادعا کرده در جریان آنها اعضای آپهو با عوامل ایران درگیری می شوند ناکافی است. زیرا موقعی که پلیس به محل حادثه می رسد "درگیری ها" به آخر رسیده بوده و فقط اعضای آن سازمان در محل حاضر بودند. بر این اساس دولت نتیجه گیری می کند که "حوادث مورد بحث را نمی توان بدون چون و چرا پایه و اساس قطعی در رابطه با ماده ۳ میثاق تلقی کرد".

برخلاف موضعگیری دولت سویس، کمیته نظر می دهد که:^۸

«گرچه شک و شبهه هایی در مورد صحت و سقم حقایق بدست آمده از ادعای شاکی باقی است، ولی بایستی تصمیم گرفت که امنیت او به خطر نیفتد. برای این کار لازم نیست که تمام حقایق مورد ادعای شاکی ثابت شوند؛ بلکه کافی است کمیته به این نتیجه برسد که آنها به اندازه کافی مستدل و قابل اتکا هستند.» [تاکید از ماست]

در پاسخ به نگرانی های دولت نسبت به "ناهمگونی ها و تناقضات" در اظهارات آ.، کمیته می گوید درست است که گفته های آ. قدری شک برانگیز هستند، ولی نه به درجه ای که "صحت و سقم ادعایش را زیر سوال ببرند" یعنی آنطور که دولت نتیجه گیری کرده است. بر این اساس کمیته ابراز می کند "برای اینکه تعیین کرد آیا آ. در صورت بازگشت به ایران با شکنجه مواجه خواهد شد یا خیر باید عضویت آ. در سازمان مجاهدین، شرکتش در فعالیت های این سازمان و زندانی شدنش در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳ را در نظر گرفت".

در رابطه با بخش دوم شکایت آ.، کمیته ادامه می دهد که: "جای هیچ شکي نسبت به ماهیت فعالیت های او در سویس با سازمان آپهو، که در ایران غیر قانونی است، انجام داده وجود ندارد". این نتیجه گیری کمیته بر اساس عدم توانایی دولت در نشان دادن پایه و اساس درست و قابل اعتمادی در ادعای آ. راجع به فعالیت های او در سویس بدست آمده است. اتفاقاً کمیته به این نکته توجه می کند که تحقیقات دولت با همه محدودیتش فعالیت های آ. را نه فقط نفی نمی کند بلکه ثابت هم می کند و مشخصاً اینکه دولت خودش نیز در پاسخ اش به کمیته «این واقعیت را که در ژوئن ۱۹۹۲ بین نمایندگان آپهو و ایرانیان در شهر برن درگیری اتفاق افتاده است انکار نکرده». بر این اساس کمیته نتیجه گیری می کند که پس باید اظهارات شاکی را که افراد وابسته به رژیم ایران اعضای آپهو و خود شاکی را در دو نوبت در تاریخ مه ۱۹۹۱ و ژوئن ۱۹۹۲ تهدید کرده اند جدی گرفت.^۹

کمیته صریحاً با امتناع دولت سویس از بررسی درخواست آ. بر اساس فعالیت های او در سویس مخالفت می کند و اظهار می دارد که:^{۱۰}

«پایه های محکم و اساسی لازم برای قبول کردن اینکه اخراج، شاکی را با خطر شکنجه روبرو می سازد نه فقط می تواند بر اعمالی استوار باشد که در کشور موطن او یعنی قبل از فرارش، صورت گرفته است، بلکه همچنین می تواند بر فعالیت های او که <

یافته‌هایی مهم کمیته ضد شکنجه

برخوردها و یافته‌های کمیته ضد شکنجه بعنوان نقطه عطفی در اجراء و تقویت اصل عدم بازگرداندن پناهنده (مجموعت بازگرداندن اجباری پناهجو به کشوری که در آنجا با خطر پیگرد و سرکوب و شکنجه مواجه است) شناخته شده است. برخی از یافته‌های مهم کمیته در تصمیماتی که طبق ماده ۳ میثاق اتخاذ گردیده شامل موارد زیر می‌شوند:

۱. پذیرش درجه‌ای از ناهمگونی در ارائه واقعات مربوط به درخواست پناهندگی توسط پناهجو، زیرا که دقت و درستی کامل را باید بندرت از قربانیان شکنجه انتظار داشت.

۲. تضمین اینکه امنیت پناهجو نباید به مخاطره افتد، حتی اگر شك و شبهه‌ای هم در رابطه با حقایقی که مورد استناد او است وجود داشته باشد.

۳. توجه به گزارشات پزشکی که آثار جراحات جسمی را با شکنجه همخوان اعلام می‌کند و تشخیص می‌دهند که فرد دچار اختلال روحی پس از شك است.

۴. توجه به یافته‌های گزارشگران و نمایندگان ویژه سازمان ملل متحد در رابطه با شرایط کلی حقوق بشر در کشورهایی که شاکی از بازگردانده شدن به آنها ابراز ترس می‌کند.

۵. نامربوط دانستن ماهیت فعالیت‌هایی که فرد در آنها درگیر بوده، یعنی فعالیت‌هایی مثل عضویت در و کمک به سازمانهایی که "تورپیست" خوانده شده‌اند.

۶. مربوط دانستن نه فقط فعالیت‌هایی که در کشور موطن پناهجو قبل از خروجش انجام گرفته‌اند بلکه همچنین فعالیت‌هایی او در کشوری که به آن پناهنده شده است.

۷. توجه به اینکه آیا کشوری که شاکی قرار است به آن بازگردانده شود عضو میثاق است یا خیر و اینکه آیا آن فرد امکان قانونی برای مراجعه به کمیته از داخل آن کشور را دارد یا خیر.

۸. توجه به اینکه وجود الگویی پایدار و دائمی از نقض حقوق بشر در کشوری که شاکی از بازگردانده شدن به آن ابراز ترس می‌کند، به این باور کمیته شدت می‌بخشد که فرد مذکور شخصاً در آن کشور با خطر شکنجه مواجه خواهد شد.

تصمیمات کمیته که به آنها ارجاع شده:

- م. علیه سوئیس، شماره ۱۳۱۹۹۳، ک. علیه کانادا، شماره ۱۵۱۹۹۴، آ. علیه سوئیس، شماره ۲۱۱۹۹۵، پ. علیه سوئد، شماره ۳۹۱۹۹۶، ک. علیه سوئد، شماره ۴۱۱۹۹۶، ت. علیه سوئد، شماره ۴۳۱۹۹۶ ■

پزشکی نشان می‌دهند که ت. روایت‌های مختلفی راجع به ابزار استفاده شده برای شکنجه ارائه داده است. در مورد سوختگی پشت ران پایش، ت. يك بار گفته است که شکنجه با يك وسیله فلزی داغ اعمال شده و يك بار دیگر گفته که از اجاق گازی استفاده شده. او همچنین در مورد زخم روی شانه‌اش گفته است که بوسیله کلید، چاقو و بالاخره شیئی تیز اعمال شده.

۶. پانوشت ۱، پاراگراف ۱۰.۳.

۷. همان منبع.

۸. پانوشت ۲، پاراگراف ۹.۶.

۹. پانوشت ۲، پاراگراف ۹.۷.

۱۰. پانوشت شماره ۲، پاراگراف ۹.۵.

۱۱. پانوشت‌های ۱ پاراگراف ۱۰.۴ و پانوشت ۲، پاراگراف ۹.۹ ■

► در کشور مقصد انجام داده متکی باشد. اتفاقاً، کلمات بکار برده شده در ماده ۳ میثاق بین‌المللی که در کشور موطن فرد یا در کشور مقصد انجام می‌گیرند و بعداً می‌توانند شاکی را در معرض شکنجه قرار دهند تمایز قائل نمی‌شود. به عبارت دیگر، اگر هم اعمالی که شاکی در ایران به ارتکاب آنها متهم شده برای ماده ۳ میثاق ناکافی هستند، اعمال بعدی او در کشور مقصد می‌تواند برای قابل اجرا بودن ماده ۳ کافی باشد.» [تاکید از ماست]

علاوه بر بررسی شواهد خاص هر يك از شاکیان، کمیته در مورد هر دو شکایت، شرایط مهم زیر را نیز مد نظر قرار داد: ۱۱

« نقض جدی حقوق بشر در ایران، همانطور که، از جمله، از سوی نماینده ویژه شرایط حقوق بشر در ایران به کمیسیون حقوق بشر گزارش شده ... مخصوصاً نگرانی ابراز شده از سوی کمیسیون درباره موارد متعددی از رفتارها و تنبیهات بیرحمانه، غیر انسانی، یا تحقیرآمیز.»

کمیته در نتیجه‌گیری نهایی‌اش در هر دو مورد اعلام می‌کند که بازگرداندن اجباری شاکیان به ایران تعهد دولتهای مربوطه به ماده ۳ میثاق را نقض می‌کند.

نتیجه‌گیری

البته این نتیجه‌گیری کمیته که دولت متعهدهی ماده ۳ را نقض کرده است، آن دولت را ملزم به تجدید نظر در مورد درخواست پناهندگی شاکی نمی‌کند، بلکه فقط عدم اخراج را لازم می‌شمارد. اما در هر صورت، یافته‌های کمیته اهمیت زیادی دارند زیرا که اقدامات خودسرانه و سهل‌انگارانه دولتهای متعاقد در مردود ساختن درخواست‌های پناهندگی را مورد اعتراض قرار می‌دهند. احکام کمیته در مورد ت. و آ. اطمینان‌بخش و امیدوارکننده‌اند، زیرا به روش‌های درست برای ارزیابی ناهمگونی در اظهارات پناهجو رسمیت می‌دهند. همچنین، این احکام تاکید می‌کنند که مسئولیت دولتها در حمایت از پناهندگان نباید به بهانه ناهمگونی‌های موجود در اظهارات پناهجویان کم‌رنگ شود. کمیته در چندین شکایت دیگر نیز انتقادات جدی به رفتار آسف‌انگیز دولتهای متعاقد در رابطه با پناهجویان وارد دانسته است. [به ستون مقابل مراجعه کنید] این امید وجود دارد که تصمیمات کمیته تأثیرات وسیعی داشته باشد. رأی بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد و امکان به پای حساب کشاندن دولتها در رابطه با تعهدات بین‌المللی‌شان را بالا ببرد.

پانوشت‌ها

۱. نظرات کمیته ضد شکنجه طبق ماده ۲۲ پاراگراف ۷ میثاق ضد شکنجه و دیگر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی، و تحقیرآمیز - هفدهمین اجلاس - مربوط به مکاتبه شماره ۱۹۹۶/۴۳. تاریخ مکاتبه: ۷ مارس ۱۹۹۶ (شکایت اولیه). تاریخ تصمیم‌گیری: ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶.

۲. نظرات کمیته ضد شکنجه طبق ماده ۲۲ پاراگراف ۷ میثاق ضد شکنجه و دیگر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی، و تحقیرآمیز - هجدهمین اجلاس - مربوط به مکاتبه شماره ۱۹۹۵/۳۴. تاریخ مکاتبه: ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ (شکایت اولیه). تاریخ تصمیم‌گیری: ۹ مه ۱۹۹۷.

۳. سازمان دیده‌بان حقوق بشر/بخش هلسنیکی، سیاست پناهندگی سوئد از زاویه حقوق بشر جهانی، سپتامبر ۱۹۹۶، دوره ۸، شماره ۱۴ (۵).

میثاق ضد شکنجه و دیگر رفتارها یا تنبیهات بیرحمانه، غیر انسانی، یا تحقیرآمیز: (1984) annex, 39 U.N. GAOR Supp. (No. 51) at 197, U.N. Doc. A /39/51, G.A., res. 39/46, لازم‌الاجرا از تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷.

همانطور که در نظرات کمیته و همچنین در ترجمه غیر رسمی حکم هیئت فرجام‌خواهی نقل شده در گزارش سپتامبر ۹۶ سازمان دیده‌بان حقوق بشر (پانوشت ۳) مشهود است، مدارک

گزارشات جدید ترکیه را «کشور سوم ناامن» منصوب می‌کنند.

نظریه "کشور سوم امن" به عامل مهمی در سیاستهای پناهندگی کشورهای اروپایی تبدیل شده است. مهمترین جنبه این نظریه این است که از ورود پناهجویان به سیستم پناهندگی آن کشور جلوگیری شود. بر این اساس که او امنیت و امکانات لازم را قبلاً در کشور دیگری بدست آورده و یا می‌توانسته است بطرز معقولی بدست آورد.

ترکیه در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار مقررات پناهندگی ای وضع نمود. از آن زمان، برخی از کشورهای اروپایی به بهانه وجود مقررات رسمی در ترکیه مانع از ورود ایرانیانی که در مسیر خود از ترکیه گذشته اند شده‌اند و یا به آنها اجازه درخواست پناهندگی در آن کشور را ندادند.

کشورهای دیگر نیز که هنوز اصل "کشور سوم امن" را به اجرا نگذاشته‌اند، گاه به گاه، ضمن بررسی درخواستهای پناهندگی ایرانیان، عدم درخواست پناهندگی آنها در ترکیه را بعنوان عاملی منفی در نظر گرفته‌اند. آنان این عمل را بعنوان تأخیری نامعقول و غیر مجاز در تقاضای پناهندگی محسوب کرده‌اند و اعلام کرده‌اند که چنین رفتاری با ترس موجه از پیگرد و شکنجه و سرکوب مغایرت دارد.

این در حالی است که اتفاقاً از زمانیکه مقررات رسمی در ترکیه وضع شده، وضعیت پناهجویان ایرانی در آن کشور وخیم تر شده است. چه محتوی مقررات جدید، چه نحوه انعطاف ناپذیر اجرای آن و چه سلسله اقدامات خودسرانه ضد پناهنده‌ای که از مقامات این کشور سر می‌زند، ترکیه را برای ایرانیان به کشور پناهندگی ناامنی تبدیل کرده است.

گزارشات زیر، که از سوی دو سازمان بین‌المللی منتشر شده‌اند، صحت و حقیقت ترس و وحشت ایرانیانی که علی‌رغم داشتن "امکان" درخواست پناهندگی موقت از ترکیه از این کار منصرف می‌شوند و در عوض به کشور دیگری می‌روند را تأیید می‌کنند.

ترکیه: بازگرداندن اجباری پناهندگان - يك بحران آمیتی سازمان عفو بین الملل، سپتامبر ۱۹۹۷

سازمان عفو بین الملل در این گزارش نگرانی بسیار عمیق خود را نسبت به امنیت پناهجویان غیراروپایی در ترکیه ابراز می‌کند. ترکیه، با وجود موقعیت مهم و نفوذش بعنوان عضوی از کمیته اجرایی کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان و تعهدش به تأمین امنیت و امکانات برای پناهندگان بعنوان عضو میثاق پناهندگی ملل متحد، دائماً بنیانی‌ترین اصل حفاظت از پناهندگان، یعنی اصل عدم بازگرداندن پناهنده (*nonrefoulement*)، را نقض کرده است. این اصل بازگرداندن اجباری افراد به کشوری را که در آن با خطر پیگرد، شکنجه و سرکوب مواجه‌اند ممنوع ساخته است.

در این گزارش، مقررات پناهندگی جدید ترکیه، بویژه قانون پنج روزه، مورد انتقاد قرار گرفته است. بنا بر این قانون، افرادی که مایلند در ترکیه درخواست پناهندگی کنند باید در عرض پنج روز از ورودشان خود را به مقامات این کشور معرفی کنند. کسانی که بطور غیرقانونی وارد ترکیه می‌شوند در صورت نقض این قانون، حال به هر دلیلی که می‌خواهد باشد، بدون بررسی درخواست پناهندگی شان، در معرض اخراج فوری قرار می‌گیرند.

سازمان عفو بین الملل نمونه‌های مهمی را مثال می‌زند که از سوی مقامات ترکیه بازداشت و به زور به کشور موطنشان بازگردانده شده‌اند. در برخی از این موارد افراد بازگردانده شده از سوی دفتر ترکیه کمیساریای عالی بعنوان پناهنده برسمیت شناخته شده بودند. ولی با این حال مقامات ترکیه بدون توجه به اعتراضات این کمیساریا آنها را بازگردانده‌اند. نمونه‌های بسیاری از ایرانیانی که به زور بازگردانده شده‌اند و همچنین پناهندگانی که با کمک کمیساریای عالی مراحل اسکان‌یابی در کشور سوم را طی می‌کردند، ولی با این وجود به شمال عراق بازگردانده شده‌اند، ذکر شده است.

البته اگر سازمان عفو بین الملل در مورد تعداد بی‌شماری پناهنده ایرانی که در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۷ بلافاصله پس از ورود به ترکیه بدون هیچ تشریفات به شمال عراق بازگردانده شدند نیز تحقیق کرده بود و نتیجه آنرا نیز در گزارش مذکور ذکر می‌کرد، تصویر واقعی‌تری از اوضاع مخاطره‌آمیز پناهجویان و پناهندگان در ترکیه بدست می‌داد.

TURKEY: Refoulement of Refugees - A Protection Crisis, September 1997, AI Index: EUR 44/31/97
رامی‌توانید از دبیرخانه عفو بین‌الملل
1 Easton St., London, WC1X 8DJ, UK
Tel: 44-171-413-5500 Fax: 44-171-956-1157
و یادفاتر کشوری آن دریافت کنید. نسخه الکترونیکی این گزارش نیز در آدرس زیر موجود است:

<<http://www.amnesty.org/ailib/aipub/1997/EUR/44403197.htm>>

سیاست‌های "کشور سوم امن" در کشورهای اروپایی شورای داناترکی پناهندگان، نوامبر ۱۹۹۷

این گزارش در بخش اختصاص داده شده به شرح حال کشورها، تصویری از هر یک از کشورهای اروپایی براساس مقررات "کشور سوم امن" و بعنوان کشور بازگرداننده و کشور تحویل‌گیرنده پناهجوی بدست می‌دهد. از آنجا که مقررات پناهندگی ترکیه راجع به موضوع "کشور سوم امن" تمهیداتی قابل نشده، این گزارش بررسی خود از ترکیه را فقط بعنوان کشوری

تحویل‌گیرنده انجام داده است.

در این گزارش به سه مورد از محدود کننده‌ترین قوانین که از زمان اعلام مقررات ۱۹۹۵ اعمال می‌شوند اشاره شده است: قانون ۵ روزه برای ارائه درخواست پناهندگی، محدودیت جغرافیایی که پناهجویان بدون پاسپورت را مجبور می‌کند در استانداردی های مرزی درخواست خود را ارائه کنند، و بالاخره قانونی که در ماه مه ۱۹۹۵ اعلام شده و برای بررسی درخواست پناهندگی، پناهجویان را ملزم به داشتن برگه هویت می‌کند. اگر پناهجویی قادر نباشد هر کدام از این مقررات را رعایت کند بدون بررسی درخواست پناهندگی اش اخراج خواهد شد.

پناهجویان بسیاری بخاطر اجرای انعطاف ناپذیر این دستورالعمل‌ها اخراج و بازگردانده شده‌اند. بنا بر آمار موقت، تعداد پناهندگان ایرانی که در سال ۱۹۹۵ پس از برسمیت شناخته شدن از سوی کمیساریای عالی با اخراج مواجه شده‌اند از جمع کل اخراج‌های سه سال قبل از آن بیشتر بوده است.

اشکالات دیگری که بدانها اشاره شده شامل موارد زیر است: ناآگاهی مقامات محلی از مقررات جاری و از اصول بین‌المللی حمایت از پناهندگان ۲- عدم هماهنگی بین مقامات مختلف، و مهمتر از همه، ۳- اقدامات مستمر برای جلوگیری از دسترسی پناهجویان به مراحل پناهنده‌گزینی و ارائه درخواست پناهندگی از طریق اخراج آنها به هنگام ورود در مرزهای زمینی و هوایی. از زمانی که مقررات پناهندگی به اجرا گذارده شده است، حدود ۳۰۰۰ پناهجو تصمیم گرفته‌اند که اصلاً خود را به مقامات ترکیه معرفی نکنند و فقط در دفتر کمیساریای عالی ثبت نام کنند.

با توجه به اینکه پناهجویان همواره با شایعات مربوط به اخراج و بازگرداندن اجباری تعداد کثیری مواجه‌اند، گزارش مذکور اشاره می‌کند که "پس اینکه بسیاری از پناهجویان از ارائه درخواست پناهندگی به مقامات ترکیه وحشت دارند جای تعجب نیست".

"Safe Third Country" Policies in European Countries, Editors: Nina Lassen & Jane Hughes, November 1997, ISBN 87-7710-265-7

رامی‌توانید از آدرس زیر دریافت کنید:

Danish Refugee Council
Borgergade 10, P.O.Box 53, DK-1002,
Copenhagen Denmark
Tel: 45-33735000 Fax: 45-33328448
نسخه الکترونیکی این گزارش نیز در آدرس زیر موجود است:
<<http://www.drc.dk/eng/pub/safe3rd/turkey.htm>>■

از برنامه‌های ما حمایت کنید

درباره ما

همبستگی با پناهندگان ایرانی نهادی غیرانتفاعی است که تحت ماده ۵۰۱(۳) اداره مالیات داخلی ایالات متحده آمریکا ثبت شده است. ما سازمانی هستیم اجتماعی و با هدف دفاع و اشاعه حقوق انسانی و مدنی پناهندگان و پناهنجویان ایرانی چه در داخل آمریکا و چه در سطح جهانی. فعالیتهای ما در زمینه های زیر است:

۱. مستند نمودن و گزارش دهی از اوضاع جهانی پناهندگان و پناهنجویان ایرانی، بویژه در نقاطی که به شرایط آنها کمتر توجه شده و حقوق شان در آن مکانها نقض گردیده است.
۲. اشاعه و دفاع از حقوق پناهنجویان ایرانی در داخل آمریکا و در سطح جهانی.
۳. توانا تر ساختن پناهنجویان در زمینه دستیابی به موقعیت پناهندگی از طریق آشنا کردن آنها به مسائل پناهندگی و حقوق قانونی پناهندگان، ارائه اسناد و نامه های حمایتی، امکانات ترجمه، معرفی به مراجع ذی صلاح و رساندن کمک مالی به افرادی که در مصیقه قرار دارند.
۴. جلوگیری از بازگرداندن اجباری پناهندگان طبق ممنوعیت تعیین شده در قوانین بین المللی و کمک به پناهنجویان برای اسکان در کشور آمن ثالث.
۵. حمایت از پناهندگان تازه وارد در آمریکا که مورد تبعیض و بی حقوقی قرار می گیرند. از طریق اقدامات دفاعی، ارائه اطلاعات و ارجاع به مراجع ذی صلاح، ترجمه، و اقدامات لازم برای آموزش عموم درباره مسائل پناهندگان.

تمام فعالیتهای ما متکی است بر اعانات مالی عموم و به کمک نیروهای داوطلب انجام می گیرد. ■

می کنیم تا شکایتهای ما به تریبونالهای بین المللی تسلیم کنند.

برنامه های امداد انسانی ما در ترکیه از سال ۱۹۹۴ به صدها پناهجو که شدیداً بد آنها کم توجهی شده کمک کرده است.

مخارج فعالیت های نهاد همبستگی عموماً از اعانات داوطلبانه مردم تامین می شود. هر نوع و هر مقدار اعانه ای مورد استقبال ما است.

■ کلیه اعانات که به نهاد همبستگی اهدا می شوند تا حد مجاز قانون از مالیات سالیانه قابل کسر هستند. شما می توانید با همکاری عملی خود و/یا از یکی از روش های زیر از فعالیت های ما حمایت کنید:

■ با فرستادن یک نوبت اعانه مالی.

■ با تعهد به فرستادن اعانه مالی بطور منظم در اقساطی که مناسب سلیقه شماست (۲، ۴، ۶، ماه یکبار یا سالیانه).

■ اگر در محل کارتان تنخواه گردان (matching fund) وجود دارد، از کارفرمای خود بخواهید که معادل کمک مالی شما به نهاد همبستگی کمک مالی کند.

■ اگر در محل کارتان برنامه ای برای کمک های مالی پایان سال به سازمان های غیرانتفاعی وجود دارد، نهاد همبستگی را برای دریافت کمک به کارفرمای خود معرفی کنید.

لطفاً فرم زیر را تکمیل کنید. اعانات مالی باید در وجه IRA INC و به آدرس زیر ارسال شوند:

Iranian Refugees' Alliance, Inc.
Cooper Station POBox 316
New York, NY 10276-0316 USA

نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی به انواع مختلفی به پناهنجویان و پناهندگان ایرانی کمک می رساند.

برنامه های دفاعی ما با فراهم کردن کمک های مفید برای پناهنجویان و پناهندگان حقوق آنها را در آمریکا و خارج از آن ارتقا می دهد.

ما با ارائه مشاوره حقوقی همه جانبه و عمیق درخواست کنندگان پناهندگی را به نحوه درست ارائه درخواست آگاه می کنیم. چنانچه لازم باشد، برای موارد مهم پرونده گواهی نامه های تخصصی و نامه های حمایتی تهیه می کنیم و در صورت امکان نیز بعنوان گواهی دهنده در جلسه دادرسی درخواست پناهندگی شرکت می کنیم. امکانات ترجمه کتبی و شفاهی را نیز هر زمان لازم باشد فراهم می کنیم.

ما نظرات مشورتی خود را در اختیار و کلابی که پناهندگان ایرانی را نمایندگی می کند می گذاریم و تسهیلات لازم را برای رد و بدل کردن اطلاعات مفید بین و کلا و مدافعین پناهندگی که در کشورهای مختلف روی مسائل پناهندگان ایرانی کار می کنند فراهم می کنیم.

مرکز اسناد ما مدارک مربوط به حقوق بشر در ایران و تصمیمات منتشر شده در رابطه با درخواست های پناهندگی ایرانیان را فراهم می کند.

ما نحوه اعمال قوانین پناهندگی کشوری و بین المللی را در رابطه با پناهندگان ایرانی مورد بررسی قرار می دهیم تا با تجزیه و تحلیل همه جانبه آنها از پتانل شدن حقوق پناهندگان جلوگیری کنیم.

ما به پناهنجویانی که تمام مراحل دادرسی درون کشوری را پشت سر گذارده و بای عدالتی مواجه شده اند کمک

آری، من می خواهم نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی را حمایت کنم

این کمک مالی اهدایی من است:

□ ۲۵ دلار □ ۵۰ دلار □ ۱۰۰ دلار □ ۲۵۰ دلار □ دلار

□ ما میم کمک خود را بطور مداوم ادامه دهم. هر چند میدانم که این کمک اجباری نیست، سعی می کنم □ هر دو ماه یکبار □ هر چهار ماه یکبار □ هر شش ماه یکبار □ مبلغ زیر را ارسال کنم.

□ ۲۵ دلار □ ۵۰ دلار □ ۱۰۰ دلار □ ۲۵۰ دلار □ دلار

□ ما میم در فهرست پستی نهاد همبستگی باشم.

□ ما میم در مورد برنامه های امداد انسانی نهاد همبستگی به پناهنجویان ایرانی در ترکیه اطلاعات دریافت کنم.

□ ما میم در فهرست داوطلبین همکاری با نهاد همبستگی باشم:

۱. لطفاً سابقه خدمات داوطلبانه خود را بنویسید:

۲. چه مواقعی وقت تان آزاد است؟ (د، س، چ، پ، ج، شنبه، یکشنبه، عصرها)

۳. زبانهایی که می دانید؟

۴. لطفاً زمینه های مورد علاقه خود را علامت بزنید:

- | | | |
|------------------------|-------------------------|----------------------|
| □ جمع آوری اعانات مالی | □ پست اطلاعات برای مردم | □ تازه واردین: |
| □ نوشتن درخواستنامه | □ تهیه خبرنامه و مجله | □ آموزش زبان انگلیسی |
| □ کمک مالی از بنیادها | □ ترجمه کتبی | □ ترجمه شفاهی |
| □ برنامه ریزی مراسم | □ صفحات اینترنت | □ کارهایی |
| □ کارهای دفتری | □ گردآوری اخبار | □ راهنمایی یک به یک |

نام:

آدرس:

تلفن:

فاکس:

پست الکترونیکی:

نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی مرکز اسناد

مرکز اسناد نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی برای ارائه اسنادی مثل گزارشات حقوق بشر، بریده‌های جرایم، مقالات تحقیقی به پناهیجویان برای کمک به روند دادرسی پرونده پناهندگی‌شان تشکیل شده است. این مرکز همچنین دارای مجموعه‌ای از تصمیمات منتشر شده روی درخواست‌های پناهندگی ایرانیان در اروپا، ایالات متحده، کانادا، زلاند نو و استرالیا و همچنین تصمیمات تریبونال‌های بین‌المللی حقوق بشر که به این مسائل مربوط می‌شوند است.

فهرست برخی از اسناد این مرکز را می‌توانید در صفحات الکترونیکی اینترنت زیر مشاهده کنید:

<http://www.irainc.org/dcenter>

هزینه:

۲۰ دلار آمریکا برای تحقیق و گردآوری هر پرونده

۱۰ سنت آمریکا برای هر صفحه از مدارک

پناهیجویان کم درآمد و وکلایی که مجاناً برای موکل‌شان کار می‌کنند می‌توانند با درخواست کتبی اسناد را مجاناً دریافت کنند.

از صفحات اینترنت ما دیدن کنید

<http://www.irainc.org>



- About Us
- Publications
- News and Alerts
- IranRef (Documentation Center)
- Projects
- You Can Help

Iranian Refugees' Alliance, Inc.
Cooper Station P.O. Box 316 New York, NY 10276-0316 USA
phone/fax: 212. 260 7460 email: irainc@irainc.org
URL: <http://www.irainc.org>

Iranian Refugees' Alliance Inc.
Cooper Station POBox 316
New York, NY 10276-0316

USA

Nonprofit Org.
U.S. Postage Paid
Oakland, CA
Permit No. 1528